

خبر

شماره ۱۰ ریال ارگان مرکزی سازمان انقلابی

افغانستان: اسلام مبارز و جنگ ضد سوسیال امپریالیستی



آنچه در روزی...
از نشریه "سوم غرب" ارگان مرکزی سازمان عمومی محصلان افغانی در خارج کشور که در آن به درستی نقش بزرگ اسلام مبارز را در نبرد با امپریالیستهای روسیه در افغانستان برای کسب استقلال ملی این کشور برادر برجسته می‌سازد و مشت محکمی است بر دهان یاوه گوی امپریالیستهای روسی و مدافعین بومی آنها در میهن ما - چون دار و دسته کیانوری - که به جنبش اسلامی و ملی خلقهای افغانستان بر حسب "ارتجاعی" می‌زنند. اما مردم افغانستان ارزیابی بس متفاوتی از نقش اسلام مبارز در پاسداری از استقلال ملی خود دارند، که در زیر می‌خوانید.

سراسر کشور ما اکنون به عرصه‌ی جوشان بقیه در صفحه ۶

★ چهارمین کنفرانس سازمان انقلابی ★

کنفرانس حسن

بیانیه کمیته تدارک حزب

کنفرانس وحدت و پیروزی

سازمان انقلابی، به میمنت برگزاری موفقیت آمیز چهارمین کنفرانس سازمان، در عصر روز شنبه ۳۱ شهریور ماه، از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر مجلس جشنی در سالن آمفی تئاتر دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار خواهد کرد.

ما کمونیستهای متشکل در سازمان انقلابی، سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و سازمان کمونرها خود را ادامه دهنده و وارث جنبش انقلابی طبقه کارگر در گذشته میدانیم و برآنیم تاراه آنرا با قاطعیت، استواری و پیگیری ادامه دهیم. با این هدف ما دست به تشکیل کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران زدیم تا بتوانیم متحداً امر ایجاد حزب کمونیست ایران که مرحله‌ی نهایی کار این کمیته تدارکی خواهد بود، جامعه‌ی عمل ببوشانیم.

قریب به ۶۰ سال از تشکیل حزب کمونیست ایران میگذرد. از هفتاد و اندی سال پیش مارکسیسم انقلابی تدریجاً با مبارزات طبقه کارگر و جنبشهای عظیمی توده‌ای مردم ما پیوند یافت. گرچه حزب کمونیست ایران بعلت نوجوانی، حملات سدید رژیم استبدادی و اشتباهات خط مشی‌ای از نظر تشکیلاتی در هم شکسته شد ولی از آنزمان تا بحال کمونیستها بعنوان یک جریان بزرگ سیاسی - اجتماعی در حرکت انقلابی جامعه‌ی ایران موثر بوده و امروز بیک تیروی سد ناپذیر تبدیل گردیده‌اند. کمونیستهای ایرانی بر اثر وجود دشمنان نسبتاً مقتدر و پرورز پورتونیسیم رنگارنگ در صفوف جنبش، محبور شده‌اند راه پر پیچ و خم و پراز نشیب و فرازی را طی کنند. راه آنها، راه‌گلگون شده از خون شهدای بی‌شمار انقلاب است.

انقلاب روشن می‌گردد. در چنین شرایط عالی انقلابی بود که هفته‌ی گذشته، چهارمین کنفرانس سازمان انقلابی، با شرکت نمایندگان اعضاء سازمان و میهمانانی از سایر سازمانها و گروههای مارکسیستی - لنینیستی ایران، برگزار شد. این اولین کنفرانس عمومی سازمان پس از برگزاری کنفرانس فوق العاده (سوم) در سال ۱۳۴۵ و با گذشت نزدیک به ۱۳ سال از برگزاری آن بود.

بشکرانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی و سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن، شرایط نوین و بس عالی برای کلیه نیروهای میهن دوست و انقلابی اصیل جهت توسعه‌ی فعالیتهای خود در خدمت ادامه و استحکام انقلاب و پاسداری از دستاوردهای عظیم آن بوجود آمد. انقلاب شکوهمند اسلامی که با همسو کردن نیروهای اسلام مبارز، ملی‌گرای مترقی و سوسیالیسم انقلابی برهبری امام خمینی به پیروزی رسید همچون طوفانی پر جوش و خروش به پیش می‌تازد و هر روز به پیروزی‌ها و دستاوردهای نوینی ناآل می‌گردد.

دبیر خانه سازمان انقلابی ۱۳۵۸/۶/۲۷

★ شعارهای کنفرانس ★

- پرولتاریا، خلقها و ملل ستمدیده‌ی جهان متحد شوید!
- چهارمین کنفرانس سازمان انقلابی: کنفرانس وحدت و پیروزی!
- رویزبوتنیسم را طرد و انتقاد کنیم، اپورتونیسیم "چپ" را افشاء نمائیم، حزب کمونیست را بوجود آوریم!
- نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود!

رهبران حزب دمکرات چه کسانی هستند؟

بود. وی توانست در این کشور با کمک مادی دولت عراق، کردهای مقیم عراق را گرد هم آورد. قاسم و مدتی در سازمان برنامه عراق وظایفی داشت که در قبالتش ماهیانه بیش از ۲۰ هزار تومان حقوق میگرفت. گذشته از آن دولت عراق امکانات در اختیارش داده

داشته است و خودش ادعا داشت که رادمش با او پیشهاد کرده که عضو کمیته مرکزی حزب توده باشد ولی او نپذیرفته و حزب توده هم بارها در نوشته‌هایش از او بعنوان "رفیق فاسلو" و غیره نام برده است.

اوضاع بحرانی منطقه کردستان و نقش ضد انقلابی رهبران حزب دمکرات در این اوضاع و اخبار خلاف واقع که آنها در بین مردم پخش میکنند ما را بر آن داشت با اطلاعاتی که در دست داریم روشن کنیم چرا جریانی که در این منطقه تحت رهبری حزب دمکرات کردستان، ده ساله، حق نماها:

- * - رویزبوتیس را طرد و اعتقاد کنیم، اپورتونیسیم چپ را اقتضا نمائیم، حزب کمونیست را بوجود آوریم!
- * - نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود!
- * - موفق باد کمیته‌ی تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران!
- * - مستحکم باد وحدت سه نیرو: اسلام مبارز، ملی‌گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی!
- * - زنده باد طبقه‌ی کارگر قهرمان ایران!
- * - انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران را ادامه دهیم و با تامین رهبری طبقه‌ی کارگر آن را تا به آخر به پیش رانیم!
- * - زنده باد انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی ایران به رهبری امام خمینی!
- * - مستحکم باد وحدت ضد امپریالیستی و ضد سوسیال امپریالیستی خلقهای ایران!
- * - مرگ بر دو ابر قدرت آمریکا و شوروی دشمنان اصلی خلقهای جهان!

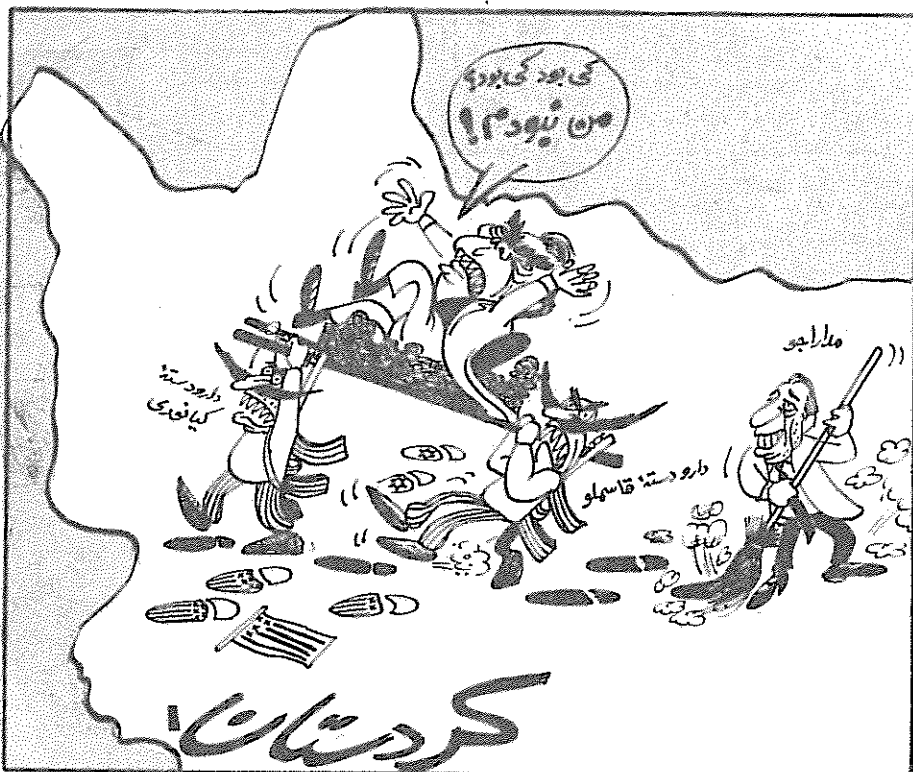
دو ابر قدرت:

بزرگترین دشمنان خلقهای جهان (۱)

دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی، بزرگترین غارتگران و ستمگران بین‌المللی و دشمنان عمده خلقهای جهانند. آنها در میهن ما نیز لحظه‌ای دست‌از‌توطئه علیه انقلاب پیروزمند ما بر نمی‌دارند و دشمنان عمده‌ای انقلاب ما هستند. برای ادامه پیروزمند انقلاب، باید این دشمنان عمده را خوب شناخت تا بتوان بهتر علیه آنها مبارزه کرد. آنچه در زیر می‌آید بخشی از مقاله‌ی "تئوری سه جهان چیست و چه می‌گوید" است که در شماره دوم نشریه "ستاره‌سرخ" (ارگان تئوریک - سیاسی سازمان انقلابی) منتشر شده و حاوی نکات آموزنده‌ای برای شناخت این دو ابر قدرت است.

در سال ۱۹۷۶ تولید ناخالص ملی آمریکا به بیش از ۱۶۹۰ میلیارد و شوروی به بیش از ۹۳۰ میلیارد دلار آمریکایی بالغ می‌گردید. این در مجموع ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی جهان را تشکیل می‌داد. ارزش تولیدات صنعتی ایالات متحده آمریکا و شوروی در این سال هر یک به تنهایی از مجموع ارزش تولیدات صنعتی سه‌تازاهم‌مهم‌ترین کشورهای صنعتی اروپا یعنی آلمان فدرال، فرانسه و انگلستان بیشتر بود. کل سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا در سال ۱۹۷۶ بالغ بر ۱۳۷/۲ میلیارد دلار بود (آمار جهانی ۱۹۷۷ سازمان ملل شوروی نیز بقیه در صفحه ۷

فاسلمو و غیره نام برده است. فاسلمو ۲۰ هزار تومان حقوق میگرفت. گذشته از آن دولت عراق امکاناتی در اختیار وی قرار داده بود که بدون گمرک از کویت اتومبیل و غیره وارد کند که او از این راه سود سرشاری را بقیه در صفحه ۲



مروزی بر زندگی نامه‌سیاه سیاسی رهبران فعلی حزب دمکرات نشان میدهد که رهبری این قیام مسلحانه ضد انقلابی علیه جمهوری اسلامی در دست کسانی بود که وابسته به بیگانه، بویژه امپریالیستهای روسی بوده و برخلاف گفته‌های رهبران چپ‌ها، نه ملی و انقلابی، بلکه وابسته و ارتجاعی هستند. عبدالرحمن فاسلمو: فتوادل زاده بزرگ اردشت فاسلمو (بین ارومیه و مهاباد) است. از ابتدای زندگی با امکاناتی که داشته بوابسته تحصیلات عالی را در رشته اقتصاد در پاریس پایان برساند. قبل از کودتای ۲۸ مرداد وی دستگیر شد ولی بعد از مدت کوتاهی آزاد شد، دلیل آزادی سریع وی این بود که با تیمور ختیار کنار آمد و قول همکاری داد. بلافاصله بعد از آزادی از طریق قصر شیرین بطور علنی به عراق رفت. اقامت او در عراق کوتاه بود چون بعد از مدتی به برک (بایخت جکسلاوکی) رفت و استاد دانشگاه شد. در جکسلاوکی همیشه جزو کسانی بود که مورد اعتماد و حمایت دولت بود. ولی نا قبل از حمله روس‌ها به جکسلاوکی در این کشور بود ولی بعد او را بیرون کردند. عبدالرحمن فاسلمو در تمام طول عمر سیاسی اش رابطه بسیار نزدیک با حزب توده

سالروز رحلت امام جعفر صادق

روز دوشنبه ۲۵ شوال (۲۶ شهریور) سالروز وفات امام جعفر صادق ششمین امام شیعیان جهان و بنیانگذار مذهب جعفری بود. احاطه‌ی امام صادق به دانش زمان خود، روشن بینی در تفکر و مبارزه‌ی او با اسلام درباری از جمله خصوصیات است که باعث شد تا امام در بین توده‌ی مردم از مقبولیت و وجهه‌ی خاصی برخوردار باشد. هزارها نفر از دانش‌پژوهان به دور امام که در بین مردم عنوان "معلم" داشت‌گرد آمده و علوم زمان را فرا می‌گرفتند. از جمله شاگردان امام "جابر بن حیان" شیمیدان مشهور ایرانی و سازنده‌ی اسید سولفوریک است. امام در برخورد به نظریه‌ی دگماتیستی "جبر" (بی‌تقدیر بلا شرط) که توسط قشربون مطرح شده بود آزادی انتخاب

خطبه جمعه آیت الله منتظری

در روز بیست و دوم شهریور ۵۸، آقای مهندس مهدی بازرگان با اتفاق وزیر کشور و فرمانده نیروی زمینی منظور دیدار و رسیدگی به مشکلات استان سیستان و بلوچستان به این منطقه رفتند. در این دیدار مهندس مهدی بازرگان با استقبال گرم گروه کثیری از مردم این استان روبرو شدند و با لمس کردن مسائل مختلف استان از نزدیک، برای تسریع در انجام خواسته‌ها و رفع نیازهای مردم منطقه دستورات مؤه‌کدی دادند. در این دیدار نماینده مردم سیستان، نیازهای مردم این استان را بدین شرح بیان داشت:

- ۱- تأمین آب آشامیدنی.
- ۲- تأمین آب کشاورزی.
- ۳- تأمین بهداشت و درمان.

سفر نخست وزیر به بلوچستان

۴- با توجه به فقر مادی مردم سیستان تعداد زیادی از برادران افغان از طریق مرزها به اینجا پناهنده شده‌اند تقاضا داریم هر چه صلاح میدانید، این برادران را اسکان داده و راه را برای نفوذ مکارانه عوامل ضد انقلاب در بین آنان ببندید تا خدای نخواسته ضد انقلاب راهی برای رخنه نیابد.

- ۵- هنوز زمیتهای سیستان در دست تعداد محدودی فتوادل می‌باشد که هنوز دست استعمار آنها از سر مردم کم نشده است.
- ۶- هنوز هیچگونه تصفیه‌ای در جهت پاکسازی عناصر ضدانقلاب صورت نگرفته است.
- ۷- با داشتن دریاچه وسیع هامون و نیازهای قابل توجه می‌توان در این منطقه بزرگترین کارخانه کارتن سازی و مقو سازی را بقیه در صفحه ۶

کنفرانس وحدت

"سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران"، بخشی از "گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست ایران" پیامهای شادباشروهمبستگی به کنفرانس ارائه داشتند که نقطه ی مشترک وعده ی این پیامها، برجسته ساختن اهمیت امر کبیر ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران ولزوم وحدت مارکسیست - لنینیستها بخاطر این امر بود.

کنفرانس با مسرت بیحدی از تشکیل "کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران" مطلع گشت و پس از تبادل نظر در مورد این واقعه ی مهم در جنبش نوین کمونیستی میهن، باتفاق آراء پشتیبانی کامل خود را از این کمیته و کار آن ابراز داشته سازمان را موظف نمود که با تمام نیرو و امکانات برای انجام موفقیت آمیز وظایف تاریخی این کمیته کوشش نماید و خود را تماما "و کاملاً" در خدمت امر کبیر ایجاد ستاد سیاسی پرولتاریای ایران قرار دهد.

سپس جمع بندی مبارزات ۱۵ ساله ی سازمان انقلابی که از قبل توسط رهبری تهیه شده و در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود، مورد بررسی کنفرانس قرار گرفت و پس از طرح نظرات شرکت کنندگان، کنفرانس با تأیید خطوط کلی این جمع بندی، رهبری را موظف نمود که با توجه به نظرات نمایندگان، در آن تغییراتی بعمل آورده و طرح نهایی را در اختیار سازمان قرار دهد.

سپس اساسنامه ی پیشنهادی مطرح شد و مورد بحث قرار گرفت. کنفرانس در این مورد نیز تصمیم مشابهی اتخاذ کرده و خطوط کلی اساسنامه را تأیید نمود، اما با توجه به کار کمیته تدارک حزب و موفقیتی که برای آن انتظار می رود، تصمیم گرفت که پیشنهادات فوق را به کمیته تدارک ایجاد حزب جهت تدوین اساسنامه ی واحد برای کنگره حزب، ارائه دهد.

سپس کنفرانس به بررسی آخرین نکته در دستور کار خود، یعنی انتخاب کمیته مرکزی سازمان، پرداخت و رهبری جدید را که در طی یک پروسه ی طولانی و چند ماهه ی مشورت دمکراتیک در درون سازمان، به کنفرانس پیشنهاد شده بود تماما "بعنوان کمیته مرکزی انتخاب نمود.

پس از پایان انتخابات کمیته مرکزی کنفرانس که بعلت تدارک کافی و وحدت عمیق درونی سازمان، کار خود را بسرعت انجام داده بود، با خواندن سرود انترناسیونال بوسیله ی نمایندگان و میهمانان، دست در دست هم، با موفقیت کامل بکار خویش پایان داد.

به بهترین وجهی در طرح جمع بندی مبارزه ی ۱۵ ساله ی سازمان تبلور ی یافت.

کنفرانس نمونه ی خوب سمت گیری اساسی سازمان بسوی زحمتکشان و موفقیت های بزرگ بدست آمده در تغییر ترکیب طبقاتی سازمان بود. در حدود ۲۰٪ نمایندگان را زحمتکشان، ۲۷٪ را اعضای پانزده طبقه ی زحمتکشان، ۱۷٪ را روشنفکران زحمتکش (که در تولید شرکت دارند)، ۱۸٪ را زنان، ۱۲٪ را کادرفهای جوان و شرکت کنندگان وسیعی از ملیت های مختلف ایران تشکیل میدادند.

کنفرانس با خود همبستگی احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی خارجی راهمراه داشت و پیامهایی از این شکل ها در اروپا و آمریکا دریافت کرد که نمونه هایی از حمایت خلقهای ستمدیده و پرولتاریای جهانی از انقلاب شکوهمند کنونی ایران و جنبش نوین کمونیستی میهن بود.

و بالاخره، کنفرانس نمونه ی عالی روحیه ی پرشور وحدت خلق علیه امپریالیسم بود و با اعلام پشتیبانی قاطع خود از انقلاب اسلامی رهبری امام خمینی، همبستگی فشرده ی خود را با این انقلاب عظیم ابراز داشته و اعلام کرد که چون گردانی انقلابی و ثابت قدم از این لشکر بزرگ، متحد و دوشادوش صفوف رزمنده ی آن برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خلقهای میهمان مبارزه خواهد کرد.

اینها و دیگر دستاورد های کنفرانس در واقع دستاوردهای مارکسیسم - لنینیسم ساندیشه ماغوتسه دون، دستاورد مبارزه ی توده های وسیع خلق، دستاورد مبارزه طرفداران، اعضاء و رهبری سازمان در طول حیات ۱۵ ساله ی خود، نتیجه ی مبارزه ی رفقای شهید سازمان و نتیجه ی بیش از ۷۰ سال مبارزه و جانفشانی جنبش کارگری و کمونیستی میهن بود.

پیروزی کنفرانس چهارم بمانیرومی بخشد که راه گلگون شهدا را ادامه دهیم و خود را تماما "و کاملاً"، همراه با دیگر سازمانها و گروههای مارکسیست - لنینیست در خدمت ایجاد ستاد سیاسی پرولتاریای ایران بگذاریم و در صفوفی رزمنده و متحد به پیش رویم.

ما در شماره ی آینده گزارش سیاسی رهبری سازمان را - با تغییراتی که پس از کنفرانس یافت - در اختیار خوانندگان "رنجبر" قرار خواهیم داد.

بیانیه کمیته تدارک

میتوان علیه دشمنان عمده متحد ساخت از یکسو و مبارزه علیه اپورتونیسم راست و رویزیونیسم حزب توده، اپورتونیسم چپ

با وجود اخلاص اپورتونیستهای راست و چپ، سرسختان ضد کمونیست و انحصار طلبان اوضاع در کشور ما برای ادای انقلاب بسیار مساعد است، کمبود اساسی فقدان حزب کمونیست واقعی ایران است که خلق راهدایت کند. باید همگی قاطعانه و با جان و دل از کمیته ی تدارک ایجاد حزب کمونیست پشتیبانی کنیم، مرکزیت آنرا در امر ایجاد حزب کمونیست، صاد قانه و صمیمانه بپذیریم و خود را در این مرحله از حرکت تاریخی ایجاد حزب کمونیست، ناسا و کاملاً در خدمت آن قرار دهیم. سازمانهای تشکیل دهنده ی کمیته تدارکی مصمم اند که هر چه زودتر طبق نقشه و تحت هدایت کمیته ی تدارکی یکی شوند، ضروریست که کلیه ی رفقا از این امر استقبال نموده و با شور و شوق در کلیه ی سطوح در جهت یکی شدن گام بردارند.

مادر مین حال دست دیگر مارکسیست - لنینیستها را که در این کمیته شرکت ندارند میفشاریم، از آنها صمیمانه دعوت میکنیم با کمیته تدارکی همکاری کنند و راه متحد و یکی شدن را برای ایجاد حزب کمونیست در پیش گیرند. ما روی وحدت اصولی مارکسیست - لنینیستها با فشاری کرده و بر آنیم که بدور از هرگونه سکتاریسم باید کلیه ی مارکسیست - لنینیستها در حزب کمونیست ایران متشکل شوند.

ما از انقلابیون دیگر نیز دعوت میکنیم تا بحکم وظیفه ی انقلابی خود در فیال اداهی انقلاب ایران از کمیته ی تدارکی ایجاد حزب کمونیست ایران پشتیبانی کرده و به گرد آن جمع شوند.

روابط کمونیستها با خلق مثل رابطه ی ماهی و آب است. بدون خلق، بدون توده ها، بدون حل صحیح مناسبات با متحدین خود، کمونیستها قادر به هیچ کاری نیستند و امر آنها بجلو نخواهد رفت. از اینرو ما در آستانه ایجاد حزب کمونیست ایران رو به تمام خلقهای ایران و بویژه نیروهای ضد امپریالیست و استقلال خواه داریم، از آنها میخواهیم تا ما رایاری دهند، از پشتیبانی کنند. در این رهگذر وحدت سه جریان بزرگ و موثر در پیشبرد انقلاب کنونی کشورمان: اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی نقش مهمی در پیروزی بعهد خواهد داشت.

حزب کمونیست ایران دوست حقیقی و متحد صادقی و وفادار خلق در مبارزه برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و رشد و شکوفائی و تعالی ایران میباشد، زیرا بحکم وظیفه ی تاریخی خود موظف است امر خدمت بخلق و پیشبرد انقلاب را محکم در دست بگیرد.

موفق باد کمیته ی تدارکی ایجاد حزب

رهبران حزب

بحیب میزد. گذشته از تمام امکاناتی که حزب بعث عراق در اختیارش قرار داده بود، وی از حمایت حزب رویزیونیست عراق که ستون پنجم سوسیال امپریالیسم شوروی در عراق است، کاملاً برخوردار بود. هم چنین در عراق با جاسوسان شناخته شده روسی بخصوص با دکتر مراد رزم آور (یکی از کردهای مقیم عراق که سابقه جاسوسی اش برای ک. گ. ب. سازمان جاسوسی روسیه - طولانی است) و ژنرال پناهیان همکاری نزدیک داشت و در این دوره بود که با تیمور بختیار نیز رابطه برقرار کرد.

قاسمطو در طول مدت اقامتش در فرانسه بازرژمارشه (رهبر حزب رویزیونیست فرانسه) در مجله مسائل بین المللی همکاری میکرد و بکمک رز مارشه توانست در دانشگاه پاریس استادی بخش شرق شناسی قسمت کردی را بدست آورد.

عبدالرحمن قاسمطو که ادعای رهبری خلق کرد را دارد در تمام مدت سی سال گذشته کوچکترین رابطه فشرده و واقعی با خلق کرد نداشته. با زندگی مرفه و راحتی که در خارج همواره از جانب ارباب تامین بود هرگز قادر نبوده و نخواهد بود مشکلات و مسائل مردم کرد را بفهمد. وی حتی از نظر خصوصیات اخلاقی نیز فرستگها با خصوصیات خلق کرد و صفات برجسته آنان فاصله دارد.

قاسمطو در زندگی شخصی بسیار جاه طلب و حقه باز است و در تمام طول زندگیش، زندگی راحتی داشته و راحت طلبی و داشتن زندگی مرفه بصورت یکی از خصوصیات اخلاقی وی درآمده است. در زندگی سیاسی اش فرصت طلبی، نوکر صفتی و تکیه به هنرنویسی برای رسیدن به مقاصدش از ویژگیهای بارز اش است. اگر باین خصوصیات، صفت پول پرستی وی را هم اضافه کنیم همه چیز کامل میشود. او که بطور سنتی جاسوس و عامل ابر قدرت روس بوده و نوکریش را در این زمینه ثابت کرده میتواند برای رسیدن به مقاصد شوم جاه طلبانه اش حتی به عوامل صهیونیست و یا آمریکا نیز متوسل شود و برای آنها هم نوکری و جاسوسی کند.

او در حال حاضر در حزب دمکرات زیر نقاب باصطلاح ملی نقش بازی میکند و بظاهر با وابستگی هم مخالفت میکند. ولی ماهیت این حرکات وی با توجه به سابقه سیاسی اش سرکسی پوشیده نیست.

غنی بلوریان: نفردوم در حزب دمکرات کردستان است. بعد از ۲۸ مرداد بزنداد افتاد و تا پیروزی انقلاب در زندان بود. بعد از زندان بکردستان رفت و ظاهراً خود را طرفدار خلق کرد و مسئله ملی نشان داد. بر خلاف قاسمطو که در ظاهر امر حتی علیه شوروی و

سال اخیر او را به عراق فرستاده بودند که در تمام این مدت مرتب به بلغارستان رفت و آمد میکرد و هربار مقدار زیادی طلا با خود میبرد و در عراق میفروخت (اختلاف قیمت طلا در این دو کشور زیاد است).

وی نیز چون دو نفر بالا که داعی رهبری خلق کرد را دارند هرگز در میان این خلق زندگی نکرده و فقط خواهان رهبری از اروپای شرقی و زندگی و خانه راحتش است.

محمد امین سراجی: نفر چهارم در حزب دمکرات کردستان است. هنگام تشکیل کمیته انقلابی حزب دمکرات کردستان که تشکیل دهندگان واقعی آن مبارزین شهیدی چون شریف زاده، ملا آواره و عبدالله معینی بودند، محمد امین سراجی نیز به آنها پیوست لیکن بر خلاف این رهبران راستین که یکی بعد از دیگری در جبهه شهید شدند، وی در تمام مدت در عراق بود و تحت عنوان جلب پشتیبانی کردهای آنسوی مرز، همیشه در این کشور بسر برد. از همان ابتدای ورودش تحت عنوان اینکه از جانب ساواک مورد تعقیب است بحمايت حزب رویزیونیست عراق، مخفی شد و از آن پس نیز همیشه از پشتیبانی و حمایت مادی این حزب وابسته به روس برخوردار بود.

در این دوره که انقلابیون راستین ایران بحمايت ملا آواره ها و شریف زاده ها به کردستان شتافته بودند بعد از شکست مرحله ای جنبش و شهید شدن رهبران راستین، بدنبال محمد امین سراجی رفتند ولی هر چه سعی کردند او را پیدا کنند موفق نشدند غافل از اینکه وی تحت حمایت رویزیونیستها در بهترین شرایط زندگی میکرد. بالاخره تضادهای دولت ایران و عراق تشدید شد و با تشدید این تضادها محمد امین سراجی از آستین رویزیونیستها و حزب بعث عراق سر بیرون آورد و با پولی که دولت عراق در اختیارش گذاشته بود به جمع آوری کردهای مقیم عراق پرداخت.

در حال حاضر نقش این شخص در حزب دمکرات کردستان دنباله روی از قاسمطوست و عامل رویزیونیستهای عراق در درون این حزب بشمار میرود.

سلیم وامیر قاضی دو تن دیگر از رهبران فعلی حزب دمکرات کردستان هستند. سلیم یک فتو دال زاده بزرگ است و در سالهای اخیر در عراق بوده بعد از انقلاب بایک جیب و مقداری کلاشینکف از طریق مرز سر دشت، بکمک دولت عراق وارد ایران شده تا نقش ضد انقلابی خود را ایفا نماید.

امیر قاضی نیز طبق اخبار موثق یکی از یاران نزدیک بارزانی بوده و با ساواک رابطه داشته و در تمام مدتی که جنبش کردستان مورد حمله قرار گرفت و رهبران راستین خود چون شریف زاده و ملا آواره را از دست داد این

برگزاری کنفرانس چهارم سازمان ، یک موفقیت بزرگ و دستاوردی برای سازمان ، جنبش نوین کمونیستی ایران و انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم میهنمان بود . کنفرانس تبلور فشرده‌ی دستاوردهای بسیاری بود که ما در اینجا چند نمونه‌ی اساسی آن را یادآور می‌شویم :

* در تطابق واقعی با شماری که بر بالای محل برگزاری کنفرانس چشم می‌خورد ، یعنی : " کنفرانس چهارم سازمان انقلابی ، کنفرانس وحدت و پیروزی " ، کنفرانس چهارم نمونه‌ی برجسته و عالی وحدت آهنگین ایدئولوژیک و سیاسی سازمان بود . وحدت اعضا ، وحدت اعضا و کادرها ، وحدت رهبری و اعضا ، وحدت کادرها و ... همتی دستاوردهای یک مبارزه‌ی طولانی سازمان بر اساس مارکسیسم و خط مشی راستین آن هستند . تقریباً تمام تصمیمات کنفرانس به اتفاق آراء اتخاذ شد و سرعت کار کنفرانس نیز تبلور دیگری از این وحدت بود . وحدت سازمان گنجینه‌ای ارزشمند و نیروی عظیم برای پیشبرد وظائف انقلابی آن بوده و هست .

* کنفرانس سرشار از روحیه‌ی وحدت طلبی در قبال جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران ، سرشار از روحیه‌ی حرکت از موضع و منافع عالی پروولتاریای ایران بود و این امر را میتوان بخوبی در حمایت قاطع کنفرانس از کمیته تدارک ایجاد حزب و در شور و شوق وسیع نمایندگان برای موفقیت این کمیته مشاهده کرد .

* کنفرانس نمونه‌ی عالی اجرای مرکزیت - دمکراتیک در سازمان بود . وحدت فشرده‌ی کنفرانس بر اساس دمکراسی وسیع سازمانی و تمرکز عقاید صحیح در پیروسی مشورت دمکراتیک و مبارزه‌ی مشترک متشکل بدست آمده بود . سازمان هیچگاه مانند امروز از دمکراسی وسیع تحت هدایت مرکزیت و از مرکزیت راستین بر اساس دمکراسی برخوردار نبوده است .

* کنفرانس تبلوری از رشد کمی و کیفی سازمان بود . شرکت فعالین جوان ارزشه‌های گوناگون مبارزه‌ی توده‌ای در سراسر ایران ، بخوبی جوش و خروش انقلاب کنونی ، شرکت سازمان و متشکل ساختن پیشتازان کمونیست انقلاب کنونی را برجسته ساخته و منعکس مینمود .

* کنفرانس نماینده و پاسدار سنخ خوب سازمان بود که در طول مبارزه‌ی وقفه ناپذیر ۱۵ ساله‌ی آن و رشد خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی آن بدست آمده است و این امر

یکسو و مبارزه علیه آپورتونیسم راست و رویزیونیسم حزب توده ، آپورتونیسم چپ بویژه راه مبارزه‌ی مسلحانه جدا از توده‌ها و قافیه بافی چپ که مبارزه بخاطر پاک نگهداشتن مارکسیسم است ، از سوی دیگر ، بیرون آمده‌ایم .

امروز با پیشبردن مبارزه در این دو جبهه هم پایه‌های توده‌ای خود را در میان مردم و در اتحاد با دیگر نیروهای سیاسی ضد امپریالیست گسترش داده و هم وظیفه‌ی دفاع از مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون را با سر بلندی انجام داده‌ایم .

تئوریهای آپورتونیستی راست و چپ بویژه رویزیونیسم و تروتسکیسم در ایران امروز ما ، با ورشکستگی روبرو گردیده و ستاره‌ی تابناک مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون که راهنمای انقلاب ایران می‌باشد ، روز بروز با درخشندگی خاصی قلب طبقه‌ی کارگر و پیشروان آنرا تسخیر میکند .

شرایط برای ایجاد حزب کمونیست از جانب دیگری هم مساعد است . طبقه‌ی کارگر قهرمان ایران بطور وسیعی گسترش یافته و امروز بیک نیروی عظیم اجتماعی تبدیل گردیده است . این طبقه‌ی تاریخساز و رسالت دار دوران معاصر تنها با ایجاد حزب پیشقراول خود قادر میگردد به وظایف تاریخی‌اش عمل کند . طبقات دیگر به اشکال گوناگون احزاب خود را بوجود آورده‌اند ، حزب توده و احزاب دیگری که ادعای حزب طبقه‌ی کارگر را دارند ، بهیچوجه با این طبقه پیوند فشرده نداشته و طبقه‌ی کارگر دست رد به سینه‌ی آنها زده است . حزب واقعی طبقه‌ی کارگر ایران ، حزبی است که مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون را اساس تئوریک خود قرار داده و آنرا با شرایط مشخص جامعه‌ی ایران تلفیق دهد و پیوند فشرده‌ای با طبقه‌ی کارگر و توده‌های خلق برقرار سازد و با اصلاح اشتباهات و کمبودهای خود مجدانه در خدمت بخلق و مبارزه با دشمنان آن امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و عمال آنها سرمایه داری وابسته و بقایای فئودالیسم ، به پیروزی رساندن نهایی انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران تحت رهبری طبقه کارگر و ادامه‌ی انقلاب تا به آخر مبارزه کند .

با چنین ایده‌ایست که کمیته‌ی تدارکی با توجه به مبارزه‌ی طولانی اعضای تشکیل دهنده‌ی آن در راه ایجاد حزب راستین طبقه‌ی کارگر گام بر میدارد .

رفقا !
علیرغم توطئه‌های گوناگون امپریالیستی بویژه آمریکا و شوروی و عمالشان در ایران ،

موفق باد کمیته‌ی تدارکی ایجاد حزب کمونیست ایران !
زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون !

سازمان انقلابی
سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر
سازمان کمونرها

تهران - ۱۳۵۸/۶/۲۰

حکومت

امپریالیستش بر مردم فقیر زده افغانستان اعمال میشود به درگیری مستقیم دو نیروی نا برابر انجامید . در یکسوی این نبرد ارتش با سلاح‌های مجهز و مستشاران روسی و در سوی دیگر مردم اسیر و استثمار شده ولی مصمم برای ادامه پیکار بخاطر رهائی .

مقاله پس از ذکر قهرمانیهای خلق برادر افغانستان وجنایات رژیم دست‌نشانده روسها متذکر میشود که نطفه‌های یک حرکت بنیادی از سوی سربازان و افسران جوان به حمایت از مردم بسته شده است .

سپس این مقاله بدرستی اشاره میکند که چگونه انقلاب اسلامی ایران تا به عمیقی در روحیه مردم انقلابی افغانستان گذاشته و آنها با الهام از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مصممانه در راه آزاد کردن کشور خود از زیر ستم سوسیال امپریالیستهای روس مبارزه میکنند .

موضع صریح و قاطع این تشریح در مقابل تجاوزات و مداخله ابر قدرت روس در افغانستان و پشتیبانی از مبارزات استقلال طلبانه خلق افغانستان نمونه آموزنده ایست از یک تشریح ملی و استقلال خسواد که مورد پشتیبانی ماست .

ما معتقد هستیم که کلیه نیروهای ملی باید از این نمونه مثبت بیاموزند و در محکوم نمودن سیاستهای تجاوزکارانه ابر قدرت روس تردیدی بخود راه ندهند . دفاع قاطع از جنبش حق طلبانه مردم افغانستان وظیفه کلیه نیروهای ملی و استقلال خواه است .

خطبه جمعه...

شعار همبستگی را حفظ کنید . این اختلافات گروهی که هر گروهی برای خودش راهها را میبیماید و شعار جدایی دارد ، این سبب می‌شود که ما شکست بخوریم و دشمن استفاده کند .
ایشان سپس ادامه دادند : " ما مبارزه

حلق درد و مستند ملی نشان داد بر خلاف قاسملو که در ظاهر امر حتی علیه شوروی و حزب توده هم موضع گیری کرده ، بلوریان علناً از حزب توده و ابر قدرت شوروی پشتیبانی کرده و معتقد است بدون کمک این کشور امکان ندارد قدمی بجلو گذاشت . اگر چه اخیراً " مواضعی بر علیه حزب توده اتخاذ کرده لیکن این موضع گیریها اساساً " برای رد گم کردن است .

کریم حسامی : نفر سوم در حزب دمکرات کردستان است . این شخص بر خلاف دو نفر اول عضو رسمی حزب توده است . حتی قاسملو در رست‌های دیپلماتیک که گرفته در ضمن مخالفت با او این شخص را وابسته کامل به روسیه نامیده است و اخطار کرده است که اگر کریم حسامی دست از این سیاست حمایت از شوروی بر ندارد باید از حزب دمکرات کردستان اخراج شود . این " دعوای " درونی هم ماهیتش برای خلق کرد و مردم مارووش است سیاست کهنه شده ابر قدرت روس است که رد گم کند غافل از اینکه مردم ما شناخت عمیقی از این سیاستها دارند و هشیار تر از آن هستند که سازمان جاسوسی شوروی میندارد .

از پرونده سیاه کریم حسامی یک برگ دیگرش اینست که در کنفرانس عراق که در سال ۱۹۷۳ تشکیل شد وی بطور علنی از شوروی و حزب توده حمایت کرد . نیروهای انقلابی که حسامی را میشناسند نظر قاطع دارند که وی عضو ک . گ . پ است . کریم حسامی بیش از پانزده سال سخنگوی رسمی بخش کردی رادیوییک ایران (که توسط روسها از آلمان شرقی و بلغارستان پخش میشد) بود . سالهای طولانی است که در بلغارستان اقامت کرده و زندگی مرفهی دارد . در چند

نکردیم برای اینکه خودمان را از یک قطب استعمار به قطب دیگری تحویل دهیم ، ما مبارزه کردیم که از استثمار شرق و غرب و از امپریالیسم جهانی و صهیونیسم جهانی و استبدادها نجات پیدا کنیم . مبادا یکوقت گروههایی ندانسته ما را در وادی گمراهی بیندازند اختلافات جزئی را بگذارید کنار . اتحاد و همبستگی را حفظ کنید ، راهی که مرحوم آیت الله طالقانی و رهبر ما طی می‌کند شما ادامه دهید " . ایشان در قسمت دیگری از سخنان خود در رابطه با نفی استبداد و دیکتاتوری به سران کشورهای اسلامی یاد آور شدند که از استبداد و دیکتاتوری پرهیز نمایند و از سرنوشت محمد رضا پهلوی که دو ابر قدرت شرق و غرب حامی او بودند عبرت بگیرند .

حمله قرار گرفت و رهبران راستین خود چون شریف زاده و ملا آواره را از دست داد این شخص در کنار بارزانی بود . در گذشته امیر قاضی همیشه همراه احمد توفیق یکی دیگر از سران حزب دمکرات دیده میشد که شخص اخیر یکباره در عراق ناپدید شد که میگفتند بعلت اختلافاتی که با قاسملو داشت توسط دولت عراق از بین برده شده است .

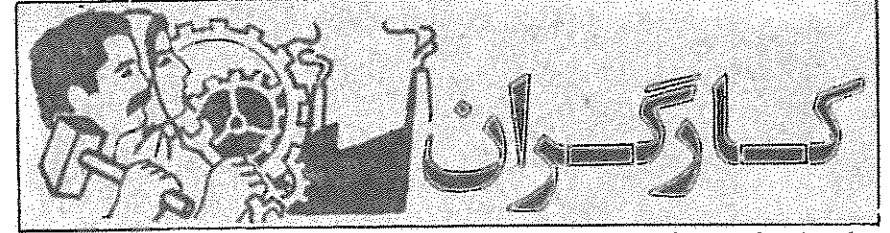
مختصری که از تاریخچه رهبران خائن حزب دمکرات گفته شد بوضوح نشان میدهد که هدف آنان چیزی جز اجرای اوامر ارباب نیست و اگر چه بظاهر بیان نمیشود لیکن طبق نقشه ابر قدرت روس داعیه کردستان بزرگ (متشکل از عراق و ترکیه و ایران) را در سر دارند . این خائنان که با دنباله‌روی از سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی در همین چند ماه اخیر هزاران هزار از برادران خلق کرد را بکشتن داده‌اند هنوز نمیدانند که جایی در بین خلق کرد ندارند . نهال تجزیه طلبی را که آنها میکارند در زمین سختی است که هرگز ریشه نخواهد داد . خلق کرد تاریخچه طولانی مبارزاتی بر علیه زور و ظلم رژیم منفور شاه پشت سر دارد . خلق کرد و حزب دمکرات کردستان در گذشته رهبرانی بزرگ چون اسماعیل شریف زاده ، عبدالله معینی و ملا آواره داشته و فرسنگها با اهداف بلند حزب دمکرات فعلی و رهبران مرتدش فاصله دارد .

زندگی نامه سیاه این خائنین به وطن برای خلق کرد پوشیده نیست . آنچه که مورد تاسف است گروه‌هایی در این میان هستند که دانسته و ندانسته به ابر قدرت روس خوش خدمتی میکنند و هنوز ادعا دارند که حزب دمکرات کردستان نماینده مردم کرد است . مثلاً " سازمان چریکهای فدائی خلق در بیانیه‌اش در باره کردستان واقعیات را چنین وارونه میکند .

" این روزها در هر گوشه ایران میشنویم که مبارزه وسیعی را علیه حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی خلق کرد سازمان داده‌اند . هسته اصلی این مبارزه ، جدا کردن خلق کرد از حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز آن است . . .

چنانچه به حقایق گردن نهیم باید بپذیریم که توده خلق کرد به سازمانهای انقلابی خود اعتقاد دارند و . . .

اما چپ نماها هیچگاه نمیتوانند آنچه را که خلق کرد هرگز نپذیرفته به زور به حلقش بریزند و دستهای خون آلود عمال امپریالیسم را بشویند .



گزارشی از مبارزات

کارگران و استعمار (۵)

گجساران شهری است کارگری با دو چهره متفاوت. در یک قسمت شهر کارگرهای شرکت نفت مسکن دارند، در طرف دیگر مردم بومی که اکثراً در بازار اشتغال دارند و به کارهایی از قبیل دکانداری، راننده باری، کارمند مخابرات و شهرداری مشغول هستند. در گوشه‌ای از شهر منازل کارمندان می‌باشد که هیچگونه رابطه‌ای با کارگران ندارند و مانند غریبه‌ها هستند.

وضع کارگران قبل از انقلاب را بدینگونه می‌توان توصیف کرد: اکثر کارگرانی که در گجساران به سر می‌بردند قبلاً در مسجد سلیمان کار می‌کردند که بعدها با گسترش شرکت نفت به این شهر منتقل شدند. این کارگران در مبارزات سال‌های ۲۵ تا ۳۲ شرکت داشته‌اند و تجربه‌های بس گزافه‌ای دارند. قبل از این که انقلاب رشد پیدا کند و اوج بگیرد، بعضی از کارگران آگاه گجساران فعالیت می‌کردند مثلاً چهار سال پیش ۱۴ نفر از کارگران گجساران روزهای تعطیل هر هفته به کوه می‌رفتند و شب‌ها در کوه می‌گذراندند، ظاهراً قضیه این بود که برای شکار و تفریح می‌روند ولی این رفقای کارگر بخاطر مطرح کردن مسائل سیاسی، چگونگی انتقال این مسائل در بین کارگران در کوه جلسه می‌گذاشتند و حتی مبادرت به خریدن کتاب‌های مفید می‌کردند و آنها را بین دیگر کارگران توزیع می‌کردند که بعدها ساواک متوجه می‌شود و هر کدام از این ۱۴ نفر را به یک شهر منتقل کرده و گروه آن‌ها را هم‌دیگر باشید. ولی آنها دست از فعالیت برنداشته و ادامه دادند و حتی ۲ نفر از آنها بدست ساواک کشته شدند، ولی این مسئله کاملاً با رز بود که شکست جنبش در سال ۳۴ و رهبری خائن حزب توده یک نوع بدگمانی در بین این کارگران بوجود آورده بود و با اوج گرفتن جنبش زیاد خوش بین نبودند. این مختصری بود از وضع کارگران و موقعیت آنها نسبت به جنبش قبل از انقلاب.

کارگران گجساران در گمره کار می‌کنند و اگر به یاد داشته باشید گمره جزء اولین مناطق شرکت نفت بود که دست به

برخورد کردند که بازور مجبور به بازگشت شدند و آنها را تهدید کردند که اگر دست به اعتصاب بزنید دسته جمعی تیرباران می‌شوید.

در غروب همان روز فرمانده ارتشیان به کمپ کارگران آمد و تهدیدهای خود را تکرار کرد ولی بعد از یک مکالمه تلفنی، فرمانده ارتشیان خطاب به کارگران گفت هر کسی بخواهد کار نکند، می‌تواند برود و بعد از آن ارتشیان از کمپ کارگران رفتند. بعضی از کارگران می‌گفتند برویم. بعضی‌ها بارتفتن مخالف بودند.

شورای کارگران تشکیل جلسه داد و این طور تشخیص داد که این یک دسیسه است و ارتشیان در بین راه منتظر ما هستند جریان را با کارگران در میان گذاشتند و همگی موافقت کردند که امشب در کمپ بمانند، فردای آروز فرمانده ارتشیان به کمپ کارگران آمد و گفت چرا دیشب نیامدید منتظران بودیم، بنابراین معلوم شد که حدس کارگران درست از آب درآمد.

بعد از ظهر همان روز کارگران بخاطر اوج گرفتن اعتصاب تصمیم گرفتند که چندجا را منفجر کنند و عصر همان روز کار را عملی کردند و شبانه محل را ترک کردند و به گجساران آمدند و با شروع این اعتصاب بود که آفاجاری اعلام همسنگی کرد و به این ترتیب شعله‌های اعتصاب در سراسر مناطق نفت خیز زیانه کشید.

کارگرانهایی بودند که ساواک ساواک همکاری می‌کردند و سعی داشتند که اعتصاب را بشکنند و به سر کار می‌رفتند، کارگران اعتصابی شروع به تهدید کردند ولی آنها گوش ندادند و برای ترساندن آنها در خانه‌های آنها را با مواد منفجره، منفجر کردند و بدین ترتیب نیروی این خائنین به جنس را از کار انداختند.

بخاطر این که در شهر گجساران رهبری مذهبی ضعیف بود کارگران خود سعی به ادامه جنبش و به پیش راندن آن داشتند. رهبر مذهبی این شهر آدم بسیار محافظه کاری بود و سعی داشت که تظاهرات مسالمت آمیز

در شماره گذشته تا حدی جامعه سرمایه‌داری را شرح دادیم و تفاوت‌های جامعه سرمایه‌داری را با جامعه‌های فئودالی و برده‌داری مختصراً بیان کردیم. گفتیم که در جامعه سرمایه‌داری تولید اساساً برای بازار صورت می‌گیرد و علت آن هم اینست که وسایل تولید بحدی رشد کرده است که این امکان را بوجود آورده که کالا بمقدار زیاد و برای فروش در بازار تولید بشود. گفتیم که در جامعه جدید تولید بصورت اجتماعی است ولی وسایل تولید در مالکیت فردی تعدادی سرمایه‌دار قرار دارد. و گفتیم که در این جامعه استثمار کارگران باین طریق صورت می‌گیرد که سرمایه‌دار "ارزش اضافی" تولیدی کارگران را خودش برمی‌دارد یعنی یک کارگر علاوه بر ساعات کاری که برای رفع احتیاجات اولیه‌اش لازم است در واقع چند ساعتی را هم بدون مزد برای سرمایه‌دار کار میکند. آنچه را که کارگر در این مدت اضافی تولید می‌کند "ارزش اضافی" نام دارد.

در تعریفی که از جامعه سرمایه‌داری کردیم دیدیم که در این جامعه دو طرف اصلی وجود دارد که یکی دیگری را استثمار می‌کند. طبقه‌ای که استثمار کننده است "سرمایه‌دار" نام دارد و طبقه‌ای که استثمار می‌شود "کارگر" نامیده می‌شود. استثمار هم در این جامعه از طریق مالکیت ابزار تولید صورت می‌گیرد. یعنی کسیکه مالک ابزار تولید (یعنی صاحب کارخانه) است دیگران را که مالک ابزار تولید نیستند (یعنی کارگران) و فقط نیروی کارشان را بصورت یک "کالا" در اختیار سرمایه‌دار می‌گذارند استثمار می‌کند.

بعضی‌ها مدعی هستند که کارفرما مزد کارگر را پرداخت می‌کند و هر چه حق کارگر باشد به او می‌دهد! و بنابراین استثمار در کار نیست. ولی آیا این حرف حقیقت دارد؟ بنظر ما این حرف حقیقت ندارد.

برای روشن شدن مطلب مثالی می‌زنیم. یک کارخانه بافندگی را در نظر بگیریم. فرض کنیم هر کارگر با ماشین در مدت ۸ ساعت کار ۵۰ متر پارچه از قرار هر متر ۴۰۰ ریال بیافد. باین ترتیب این کارگر ۲۰۰۰۰ ریال پارچه تولید کرده است. فرض کنیم ۵۰۰ ریال هم مواد خام از قبیل نخ و رنگ و چیزهای دیگر خریداری شده است. اگر کارگر با این ماشین آلات و مواد خام و چیزهای دیگر کار نکند آیا این چیزها خود بخود نفی می‌شوند؟ کارفرما این مواد را

کار، کارفرما هم‌سای آن چیزهای سابق (کارخانه، مواد خام و...) را مجدداً در اختیار دارد. با اضافه‌ی سودی که به جیب زده. ولی کارگر چه دارد؟ هیچ. می‌گفتیم که رفیق کارگر ما ۸ ساعت کار کرده و ۵۰ متر پارچه از قرار متری ۴۰۰ ریال تولید کرده که جملاً "ارزش آن ۲۰۰۰۰ ریال است. فرض کنیم که حقوق کارگر را هم کارفرما ۵۰۰ ریال تعیین کرده باشد و به او پرداخت نماید. قیمت مواد هم ۵۰۰ ریال بود بنابراین چقدر می‌ماند؟ ۱۰۰۰۰ ریال! این پول به جیب چه کسی می‌رود؟ خیلی ساده است. به جیب کارفرما! برای چه؟

حالا ببینیم اگر مثلاً ۱۰۰۰ نفر کارگر در روز در یک کارخانه بافندگی کار کنند و از هر نفره ۱۰۰ ریال به جیب کارفرما سرازیر شود میدانید چه رقم عجیب و غریبی میشود؟ روزانه یک میلیون ریال! خوب دقت کنید. در حالیکه یک کارگر با هزار رنج و مشقت با یک روز کار کردن در کارخانه فقط ۵۰۰ ریال بدست می‌آورد که حتی با این پول به زحمت میتواند خود و زن و بچه‌هایش را زنده نگهدارد آقای کارفرما بدون اینکه دست به سپاه و سفید زده باشد روزانه صدهزار تومان به جیب مبارک سرازیر کرده است.

البته وقتی این حساب را حلوی کارفرما گذاری و به او بگوئی که خانه‌ات خراب شود چرا اینقدر مردم را می‌جایی؟ خیلی ساده شروع میکند به داستان سرهم کردن که: ای بابا! این دیگر چه جور حساب کردن است؟ خوب، معلوم است: من حق دارم. چون مغز کار می‌کند. چون حساب و کتاب بلدم... خرج کرده‌ام. سرمایه‌گذاری کرده‌ام. کارخانه و ماشین آلات و مواد خام از قبیل نخ و رنگ و چیزهای دیگر خریده‌ام و هزارها هزینه دیگر کرده‌ام مثل هزینه ساختمان وجه و چه. و خلاصه دو ساعت برایت حرف می‌زنم تا ثابت کند که مثلاً "او حق دارد در روز چند هزار برابر یک کارگر پول در آورد... تازه آنهم در صورتیکه فقط یک کارخانه داشته باشد. وای بوقتی که چندتا از این کارخانه‌ها داشته‌باشد که در آن صورت حساب از حد خارج است.

او می‌گوید: من صاحب کارخانه هستم و بنابراین باید سود ببرم... ما قبلاً ثابت کردیم که این آقای سرمایه‌دار یا خودش یا پدرش یا پدر جدش و بالاخره یکی از اینها

دیگری که در کارخانه به مدیریت مشغولند آنها چکاره‌اند؟ آیا تو مدیریت میکنی یا آنها؟ در اینجا باز کارفرما شروع به سفسطه بازی می‌کند که اگر من نباشم آنها هیچ کار نمی‌توانند بکنند. هم‌سای آنها نیکو که در کارخانه‌ها کار می‌کنند بخوبی میدانند که صاحب کارخانه غیر از شمردن پول و باصطلاح "چرتکه انداختن" کار دیگری انجام نمی‌دهد. همه‌ی کارها را کارگران و کارمندان انجام می‌دهند. تازه بعضی از این کارخانه‌ها مال چند تا شریک است که بعضی از آنها حتی در تمام مدت سال یکبار هم به کارخانه نمی‌آیند و فقط سر سال حاضر و آماده برای گرفتن "سود" سر و کله‌شان پیدا میشود. حتی میتوان گفت که سود آخر سال را هم طی یک قطعه چک دو دستی به در منزلشان می‌برند و با تشریفات خدمت جناب آقای سهامدار کارخانه تقدیم مینمایند.

موضوع خیلی روشن است. استثمار که شاخ و دم ندارد. استثمار همین است. خوب حالا که استثمار را در جامعه سرمایه‌داری توضیح دادیم می‌خواهیم بدانیم که آیا مطلب در همین جا تمام میشود؟ نه! این تازه اول بدبختی طبقه کارگراست. چرا؟ زیرا بیگاری، پائین آمدن دستمزدها، بالا رفتن قیمت اجناس و تبدیل شدن کارگر به زائده‌ی ماشین که از صبح تا غروب مرتباً با یک کار خسته کننده، بیروح و یکنواخت دست به گریبان است. و خلاصه هر روز فقیرتر از روز پیش شدن کارگران، همه‌اش نتایج ناگوار همین استثمار است.

تا استثمار وجود دارد همه‌ی اینها وجود دارد و تنها راه از بین رفتن این مشکلات طبقه کارگر، از بین رفتن استثمار است. ما در زیر چند تا از راههای استثمار را که معمولاً از طرف کارفرماها بکار برده می‌شود شرح می‌دهیم.

یکی اینست که کارفرما از رقابت کارگرها با هم سوء استفاده می‌کند و سطح مزد را هر قدر که دلش بخواهد پائین نگه میدارد. فرض کنیم کارفرما باید ۵۰۰ ریال به یک کارگر بدهد. وقتی کارگر بیکار زیاد شد کارفرما مزد را پائین می‌آورد و مثلاً ۴۰۰ یا ۳۰۰ ریال بابت مزد به هر کارگر می‌دهد. خوب، ۱۰۰ یا ۲۰۰ ریالی که از مزد کارگر کم شده بجا می‌رود؟ بجیب سرمایه‌دار.

نوع دیگر اینست که کارفرما اگر زورش برسد ساعات کار کارگران را اضافه می‌کند. مثلاً ۵۰۰ ریال به کارگر می‌دهد ولی بجای

نامه يك ...

اصطلاح دوتن از آنها عنوان سرکارگرو بکنفر از آنها به اصطلاح سرپرست است که به اشکال مختلف ما را تحت فشار قرار میدهند. این سه نفر از جمله افرادی بودند که در دوره‌ی طاغوت و اوج جنیشهای توده‌ای نه تنها در تخصص‌ها و اعتصابات شرکت نکردند بلکه به اشکال مختلف به تضعیف روحیه کارگران و شکستن اعتصابات می‌پرداختند و مشخصاً یکی از آنها بمیان کارگران می‌آمد و میگفت: شما اول معطل هستید، شما قادر نیستید با رژیم مبارزه کنید، شما نمیتوانید ادامه دهید، رژیم قوی است همه تان را سرکوب خواهد کرد... و در تمام طول مبارزات بحر همان روزهای آخر که برایسان مسلم سدریم سرنگون خواهد شد به سر کار میرفتند و هیچ گونه همکاری با کارگران متحصص نکردند.

در حال حاضر مدت ۱۵ روز است که ما مشغول شستشوی خط ۱۳۲ هراتولت هستیم که در حالت معمولی باید در روز حداقل ۸ عدد برج را شستشو نمائیم و حداکثر ۱۰ الی ۱۲ عدد. اما این دو نفر سرکارگر با فشار و تهدید می‌خواهند ما را وادار کنند که روزانه بیش از ۲۰ الی ۲۵ و حتی ۳۰ برج را شستشو نمائیم (آنها نه بخاطر پیشبرد کار بلکه بخاطر صاع خودشان و گرفتن مزایا و پستهای بهتر و بالاتر) بدون اینکه به عواقب اینکار توجیبی کنند که در آینده ما دچار عوارض نواقص بدنی خواهیم شد. همانطوریکه برخی از همکارانمان به علت همین فشار و ستمها در سالهای قبل دچار نقص عضو شده‌اند و در حال حاضر قادر نیستند در ارتفاعات کار کنند و در حقیقت منفعل شده‌اند.

ما با این دو نفر سرکارگر به گفتگو پرداختیم و به آنها گفتیم که قادر به شستشوی بیش از ۱۲ عدد در روز نیستیم و خواستار حق ارتقاء - حق فنی و سختی کار هستیم. اما آنها با ما به مخالفت پرداخته و شروع به اهانت نمودند، ما اعتراض کردیم و دست از کار کشیدیم و به اداره بازگشتیم و آنها هم خیلی سریع قلب جریبان کرده و با سرپرست مربوطه جبهه‌ای علیه ما بوجود آوردند و گفتند که هیچ گونه حقی ندارید و باید دستورات این دو نفر را انجام دهید که

حمله روزنامه...

دولت و خلق کرد، برخواستهای بحق آنان سوار شده و با تقویت حزب دمکرات کردستان اهرمی علیه انقلاب اسلامی و رهبری آن ایجاد کند، تا دولت و رهبری را وادار کرده که از یک طرف بر احساسات و همبستگی مردم ایران نسبت به جنبش اسلامی افغانستان ستم گذاشته، از طرف دیگر به دادن

ما مجدداً اعتراض کردیم اما سرپرست مربوطه توجیبی نکرد و گفت شما در کار اخلاص کرده‌اید و فردای همان روز سرپرست و دو سرکارگر برنامه‌های تنظیم کرده و ما چند نفر از کارگرانی که تخصصی در انجام کار در ارتفاعات ندارند به سرکار رفته و عملاً ما را کار گذاردند تا از این طریق برای ما پاپوش درست کنند.

ما مجدداً اعتراض کردیم و لیس سرپرست در جواب ما گفت شما یک منت اخلاص کرد و صد انقلاب هستید و باید تحویل داده شوید و محازات گردید که ما مجبور شدیم جریان را با مقامات بالاتر در میان بگذاریم و خواستهایمان را به اطلاع ایشان رساندیم و هم چنین به شورای کارگری و رئیس واحد برق شکایت نوشتیم - روز چهار سیه گذشته جلسه‌ای با حضور نماینده شورای کارگری (که کارگراست) و رئیس تلوئید انتقال نیرو و رئیس برق تشکیل شد که پس از بحث و گفتگوهای بسیار با اینکه نماینده شورا و رئیس برق از خواستهای ما پشتیبانی کردند اما عملاً نتیجه‌ای عایدمان نشد و ما همچنان با تکلیف مانده‌ایم و کسی توجیبی به خواستهایمان نمی‌کند.

ما از سربیه رنجبر می‌خواهیم که از خواستهای بحق ما پشتیبانی کرده و خواستار رسیدگی به آنها شود.

خواستهای ما عبارتند از:

- ۱- خواستار برکناری سرپرست و دو سرکارگر مربوطه.
- ۲- خواستار حق ارتقاء - سختی کار و حق فنی هستیم.
- ۳- خواستار ۷۵۰ تومان اضافه حقوق که در سطح کشور به بیشتر ادارات داده شده اما سازمان آب و برق آنرا به تعویق انداخته و نداده است.

رنجبر - در حالیکه کارگران میهن ما این چنین صمیمانه پشتیبان انقلاب‌اند و در شرایط سخت به کار و سازندگی ملکت علاقمند هستند، انقلاب باید منعکس کننده خواستهای آنان و جویگوی نیازهایشان باشد. ما از دولت و مقامات مسئول رسیدگی جدی به وضع این کارگران تریف را خواستاریم.

رهبری انقلاب تشدید شد و در نتیجه تبلیقات روسیه علیه ایران علناً آغاز گردید، دار و دسته کیانوری هم به ارباب تاعسی حسته و تبلیقات خویش را علیه دولت و رهبری انقلاب شروع نمودند. ایشان در اعلامیه ۱۷ شهریور کمیته مرکزی حزب توده می‌نویسند که امپریالیست‌ها به سرکردگی امریکا و عمالشان نقشه‌های مریخی ریخته‌اند و... برافروختن

خبر

فیلم کودتا: نمونه‌ای از فرهنگ سوسیال امپریالیستی

رژیم سابق، به خاطر وابستگی‌اش به امپریالیسم غرب و بخصوص امریکا، جلوی رشد هرگونه فرهنگ بویا و انقلابی را بستند سد نموده بود و در مقابل، به طرق مختلف از جمله وارد کردن خروار خروار فیلمهای مبتدل غربی به اشاعه فرهنگ پوسیده امپریالیسم غرب در سطح ایران میرداخت. با انقلاب سکوخمند ایران، جلوی ورود این‌گونه فیلمها تا حدی سد شد ولی متأسفانه به خاطر عدم هوشیاری مسئولین، هم اکنون سوسیال امپریالیسم شوروی و عمال آن با وارد کردن فیلمهای منحط رویزیونیستی سعی در اشاعه فرهنگ امپریالیسم شرق را دارند. نمونه‌ان را می‌توان در فیلم "کودتا" دید. در ابتدا برای تماشاگر این تصور پیش می‌آید که فیلم می‌خواهد از کودتای امپریالیسم امریکا در شیلی برده بر دارد و درس بیاموزاند اما به زودی هدف اصلی بر ملا می‌شود. فیلم قصد دارد چند نقطه نظر منحرف و ارتجاعی به خورد بیننده داده و نتیجه‌ای به نفع سوسیال امپریالیسم شوروی از آن بگیرد.

این نظرات چیستند؟ فیلم می‌خواهد بگوید که توده‌های مردم نقشی در انقلاب و تعیین سرنوشت میهن خود ندارند، دولت‌های مملی هم اصولاً "ضعیف و ناتوان و محکوم به شکست‌اند. امپریالیسم امریکام قدر قدرت است.

بنابراین تنها نیروئی که می‌تواند جلوی امریکا بایستد نه مردم در اتحاد با دولت ملی شان، بلکه امپریالیست‌های شوروی هستند و اشتباه دولت ملی و علت شکست انقلاب شیلی هم تکیه نکردن آن به تزارهای نوین روسی بود.

این جوهر پیام سیاسی امپریالیستی این فیلم است. ببینیم فیلم چطور برای جانداختن این نظر امپریالیستی زمینه‌سازی می‌کند:

نقش توده‌ها: در تمام فیلم اثری از توده‌های میلیونی خلق شیلی و مبارزات آنان دیده نمی‌شود و تمرکز بر روی کاخ ریاست جمهوری و جریاناتی است که در

و بالاخره خط مشی سیاسی حزب دمکرات کردستان بیانگر نوع وابستگی آنهاست. علاوه بر این اظهارات صریح قاسملو در سخنرانی‌اش در مهاباد در کمک گرفتن از روسها و روابط حزب دمکرات با

آن اتفاق می‌افتد. تنها در یک جا از یک میلیون تظاهرکننده به نفع رئیس جمهور صحبت می‌شود و آنهم در موقعی است که آئنده برای تحکیم موقعیت سیاسی خود این تظاهرات را برپا می‌کند. یعنی فیلم این نقطه نظر ارتجاعی را تبلیغ می‌کند که توده خلق چیزی نمی‌فهمد و رهبران میتوانند این توده‌ها را بره وار به میدان تظاهرات به نفع خود بکشانند. بعد از کودتا هم نقش توده‌ها هیچ است.

قدر قدرت نمایانند امریکا و عمالشان: در سراسر فیلم امپریالیسم امریکا قدرتی است که هر کاری بخواهد می‌کند و انقلاب و دولت ملی آئنده در مقابلش بی‌دفاع‌اند. اما نکته جالب در اینجا است که فیلم به هیچ وجه شیوه‌های ضد انقلابی امپریالیسم امریکا را افشاء نمی‌کند. مثلاً راه‌انداختن اعتصابات مختلف علیه دولت، تظاهرات ضد انقلابی و یا... به سرعت از روی آن می‌گذرد. و جای تعجب نیست چه سوسیال امپریالیست‌های روسی خودشان درست از همین شیوه‌ها برای سرنگون کردن دولت‌های ملی استفاده کرده و می‌کنند.

لوٹ کردن دولت ملی آئنده: فیلم در واقع هیچ نکته مثبتی در دولت ملی و شخص آئنده نمی‌بیند. هیچ یک از اقدامات مثبت دولت او در سه سال زمامداری برجسته نمی‌شوند تا اینکه حقانیت دولت‌های ملی لوٹ شده و راه سیاسی آنان مطرود شمرده شود.

عدم تحلیل سیاسی: فیلم به علت اینکه می‌خواهد به نتیجه دلخواه خود برسد بهیچ وجه علل سیاسی کودتا را بررسی نمی‌کند. عللی از قبیل عدم سرکوب قاطع ضد انقلاب، اخلاص خط مشی انحرافی حزب رویزیونیست وابسته به روس و نقش تفرقه افکنانه‌ی آن، اشتباهات دولت ملی و... بلکه تمرکز را بروی بی‌کفایتی شخصی دکتر آئنده می‌گذارد.

در این فیلم گوشش شده است آئنده‌را انسانی مالبخولایی نشان دهند که دوست دارد در تمام مدت روز آهنگ "موتسارت"

عظیم و شکست نا پذیر جنش میلیونی خلقهای میهن ماست. توصیه ما به این گونه افراد این است که به رهنمود اخیر امام خمینی در مورد متصل شدن به توده‌ها و همراه آنها بودن توجه کنند و عمیقاً به آن بیندیشند.

فیلم کودتا: نمونه‌ای از فرهنگ سوسیال امپریالیستی

گوش بدهد، حتی در جلسات و ملاقات‌هایش. این طرز برخورد به آئنده یعنی ندیدن تمام نکات مثبت او و بزرگ کردن معایبش کوششی است برای عدم برخورد به حزب به اصطلاح کمونیست شیلی و نتیجه‌ای که از آن عاید بیننده بی‌اطلاع از تاریخ شیلی می‌شود. این است که گناه بیروزی کودتا تماماً "بگردن آئنده است و نه حزبی که خود را به اصطلاح کمونیست می‌نامید و نوکر سوسیال امپریالیسم روس بوده و هست. همانطور که رهبران خائن حزب توده تمام گناه کودتای امپریالیسم امریکا در ۲۸ مرداد ۳۲ را متوجه دولت مصدق و شخص او کردند تا مسئولیت عظیم خود را در شکست نهضت بردوشی و توجیه کنند.

این نکات و ده‌ها نکته کوچک و بزرگ دیگر که در این فیلم به طرق مختلف و به طور ماهرانه‌ای به بیننده تزریق می‌شود یک هدف عمده دارد و آن هم این است که نشان دهد، نه دولت‌های ملی در جهان سوم و نه توده‌های میلیونی خلق که از آن پشتیبانی و حمایت می‌کنند قادر به مقابله با توطئه‌های امپریالیسم امریکا نیستند.

پس برای مقابله با امپریالیسم امریکا و توطئه‌هایش باید دست به دامن به اصطلاح "متحد طبیعی خلق‌ها" و برادر بزرگ "اردوگاه سوسیالیسم" یعنی تزارهای نوین کرملین نشین شوروی شد و به صورت مستعمره آن در آمدن طلب هم در همین است. ابر قدرت شوروی بی‌پوده می‌گوشد با فرهنگ منحط خود نظرات امپریالیستی‌اش را در ایران اشاعه دهد. خلقهای ایران با انقلاب خود (و نه پیروزی از راه مجلس) قدرت لایزال خویش و صحت خط مشی انقلاب مستقل و متکی بخود را نشان دادند و این مزخرفات امپریالیست‌های روسی قادر به ایجاد روحیه یأس و تزلزل در آنها و انحراف سیاسی شان نخواهد شد.

باید نکات به ظاهر مترقی فیلمهایی چون کودتا را به کنار زد، ماهیت امپریالیستی آنها را شناخت و از آنها به عنوان نمونه منفی آموخت.

امام خمینی در همین گفتار به نقش تاریخی روحانیون و اسلام مبارز در تاریخ نهضت‌های صد سال اخیر ایران اشاره میکنند و بدرستی دشمنی کینه توزانه اجانب و مستبدین را با این جریان بزرگ اجتماعی که در مسیر استقلال و آزادی ایران حرکت کرده

نه از یک طرف بر احساسات و مسمیتهای مردم ایران نسبت به جنبش اسلامی افغانستان سرپوش گذاشته و از طرف دیگر به دادن امتیازات اقتصادی تن در دهند. و حتی در صورت امکان به تجزیه کردستان دست زده و پایگاهی برای خود در این قسمت ایجاد کنند. نقشه روسها در این قسمت نیز با جواب مثبت قاطبه مردم به ندای امام نقش بر آب میشود. ولی دخالت شوروی در کردستان به اندازه‌های آشکار است که قابل انکار نیست. دفاع و پشتیبانی مستقیم از حزب دمکرات و قاسملو و تعلیم اعضاء حزب دمکرات برای بکار انداختن سلاحهای سنگین و بفرنج روسی همه حاکی از دخالت ابرقدرت شوروی در کردستان است.

دست شوروی کاملا "رو می شود. برای حل این مسئله روسها باز به تاکتیک دو گانه متوسل می شوند. از یک طرف بطور قاطع و محکم دخالت خود را در کردستان انکار و تکذیب می کنند و آن را شایعات بی اساس می خوانند که به قول آنها "از محافل نزدیک به امام و دولت ایران تراوش کرده است". از جهت دیگر تبلیغات خود را علیه دولت و رهبری انقلاب آغاز می کنند.

الکساندر نوین می نویسد: "امروز جنگ در کردستان ادامه دارد، فعالیت‌های سایر گروه‌های قومی سرکوب می شود، آنهایی که خواهان حقوق برابر و خود مختاری هستند به عنوان خائنین تعبیه شده و اعدام میشوند. مذهب شیعه (یک فرقه مسلمان به رهبری خمینی) به آنها تحمیل می شود". و جاشی دیگر در همین مقاله می افزاید: "تمام موسسات انتشاراتی که با دکتترین اسلام حاکم متفاوت است ممنوع می شوند. تحت پوشش شکار کمونیستها مردمی که پشتیبان دگرگونی های مترقی اجتماعی هستند زیر فشار و اختناق قرار می گیرند".

آیا این تبلیغات با حقیقت وفق میدهد؟ آیا مسئله ضد انقلاب در کردستان تجزیه کردستان زیر پرچم خود مختاری نبوده؟ آیا واقعا "کسی را مجبور به قبول مذهب شیعه کرده اند؟

آنچه جالب است عکس العمل دار و دسته کیانوری و تطبیق کامل تبلیغات و عملکردهای آنان با روسیه می باشد. هنگامی که امپریالیسم روس فکر می کرد می تواند از منابع عظیم ایران سهم بیشتری ببرد از جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب به اصطلاح دفاع می کرد. دار و دسته کیانوری هم موزرانه به دفاع از جمهوری اسلامی پرداختند و تا آنجا پیش رفتند که حتی گفتند: "بین سوسیالیسم علمی و اسلام تفاوت اساسی موجود نیست". وقتی که تضاد روسها با دولت و

امپریالیستها به سر تردی، مرید و عمامه‌سنان نقشه‌هریمنی ریخته‌اند و ... برافروختن جنگ برادر کشی در کردستان، هجوم به آزادیهای دموکراتیک، متهم ساختن و زیر ضربه قرار دادن نیروها و سازمانهای اصیل انقلابی و ضد امپریالیستی از جمله حزب توده ایران ... مکمل این نقشه اهریمنی هستند.

دار و دسته کیانوری سرکوب ضدانقلاب را در کردستان جنگ برادر کشی می خوانند و بستن روزنامه‌های "آیندگان" و "مردم" را که وابسته به امپریالیسم آمریکا و روس هستند هجوم به آزادیهای دموکراتیک میدانند. خود را جزء سازمان های انقلابی ضد امپریالیستی جا می زنند که مورد هجوم هم قرار گرفته است و همه فعالیت‌هایی که علیه ضد انقلاب توسط رهبری انقلاب هدایت شده نقشه‌هریمنی وابستگان و عمال امپریالیسم آمریکا می دانند. آیا وقاحت بیش از این می شود؟ دار و دسته‌ای که تا هفته پیش به اصطلاح "قاطعانه" از رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی دفاع می کرد، اکنون به رهبری انقلاب حمله می کند! آیا علتش جز تغییر اساسی در سیاست اربابان روسی شان چیز دیگری می تواند باشد؟

رزم پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه علیه دو ابر قدرت شوروی و آمریکا و تکیه به نیروی لایزال خلق بود. برای تعمیق و گسترش انقلاب مبارزه علیه ابر قدرتها هر چه محکمتر باید ادامه پیدا کند. ابر قدرتها توطئه می چینند تا منافع از دست رفته شان را باز یابند، از این جهت باید هوشیارانه همچون رهبری انقلاب توطئه ها را در هم شکست و پیروزمندان در جاده انقلاب به پیش رفت.

مدار اجوئی...

(رجوع کنید به "رنجبر" ۲۵)
* کمیته مرکزی حزب توده از چند سال قبل احیاء سازمان‌های حزب دمکرات را بعنوان یکی از مهمترین وظائف خود بی دانسته است. (رجوع کنید به "رنجبر" ۲۳)

* در جلسه‌ای در برلن شرقی تحت نظارت امپریالیسم روسیه و با شرکت عبدالرحمن قاسملو و صلاح بدر نماینده حزب کارگران کردستان ترکیه (وابسته به روس) در روزهای پس از انقلاب بر گزار شد طرح قیام مسلحانه ریخته شد. (رجوع کنید به "رنجبر" ۲۴)

* در همین شماره "رنجبر" مقاله‌ای در معرفی رهبران فعلی حزب دمکرات داریم که گوشه‌ای از ماهیت و وابستگی‌های آنها را افشاء می کند.

قاسملو در سخنرانی اش در مهاباد در کمک گرفتن از روسها و روابط حزب دمکرات با دار و دسته کیانوری هم دلایل دیگری هستند. دار و دسته قاسملو وابستگی به روسها و به اصطلاح سوسیالیسم نوع روسی را در میان بیروان خود تبلیغ میکنند و طرفداران و اعضاء آنها منطبق با خط مشی روسها آموزش می بینند. این شواهد و دهها و صدها رابطه و واقیقت‌های دیگر، مساله سر سپردگی رهبری فعلی حزب دمکرات را به سوسیال امپریالیسم شوروی برای مردم ما به امری بدیهی تبدیل ساخته است.

شکی نیست که امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها توسط عمال خود نظیر قیاده موقت، یالیزبان و سردار جاف و از طریق دار و دسته بعثی عراق در کردستان ایران اختلال می کنند و حتی این امر هم بعید نیست که دار و دسته قاسملو به خاطر منافع مشترک خود در مقابل انقلاب ایران با عمال صهیونیستها نیز همدست شود. ولی اینها هیچ کدام نمی توانند ما را از یک واقیقت بزرگ غافل کند که ابر قدرت روس نقش اصلی را در حوادث اخیر کردستان داشته است. پس چرا هنوز کسانی پیدا می شوند که علیرغم واقیقات آشکار میخواهند دخالت‌های شوروی در کردستان ایران را برده پوشی کنند؟

به عقیده ما این گونه افراد میخواهند زمینه را برای مدارا و سازش با شوروی فراهم کنند. و برای فراهم کردن این زمینه تبلیغ می کنند شوروی آنقدرها هم خطرناک نیست و اصولا "شوروی خطری برای ما ندارد. اینها همه از سیاست غلط مدارا جوئی و اغماض در مقابل ابر قدرت شوروی ناشی می شود. آنها در پوشاندن سیاست‌های شوروی در قبال انقلاب ایران تا آنجا پیش می روند که مقاله "ایزوستیا" (روزنامه دولتی شوروی) را بر علیه انقلاب ایران و رهبری انقلاب، این طور توجیه می کنند که گویا مقاله نظر یک شخص است و گویا در روزنامه رسمی دولت سوسیال فاشیستی شوروی می تواند مقاله‌ای بیاید که مخالف نظر دولت شوروی باشد!

سر پوش گذاشتن بر ماهیت تجاوزکارانه و ضد خلقی شوروی و منزله جلوه دادن این ابر قدرت توطئه گر بهیچوجه با منافع خلق‌های ما و با انقلاب ما سازگار نیست. اگر هستند کسانی که فکر می کنند با استمالت و مدارا با ابر قدرت روس میتوان با آن کنار آمده و از خطراتش مصون بمانند، سخت در اشتباهند. این اشتباه اگر به خاطر داشتن منافع جدا از منافع ملت نباشد، حداقل به خاطر عدم اعتماد و اتکاء به توده‌ها و ندیدن قدرت

در مورد متصل شدن به توده‌ها و همراهی آنها بودن توجه کنند و عمیقاً به آن بیندیشند. قدرت لایزال توده‌های مردم ما تنها تکیه گاه انقلاب ماست و ما معتقدیم که با تکیه به آن از هیچ قدرت خارجی که بر علیه ما توطئه می کند، نباید ترسی بدل راه داد و باید قاطعانه توطئه گر را به مردم شناساند و در مقابل توطئه‌ها ایستادگی نمود. تنها در این صورت می توان با بسیج و آگاه نمودن مردم در مقابل توطئه‌های ابر قدرتها مقاومت نمود و از استقلال ملی کشور و انقلاب دفاع کرد.

دعوت امام...

و یا خیانت ندارد. کسانی که امروز با ترش رویی ویا تمسخر به شور و شوق و ابراز احساسات، تظاهرات و نمایش‌های انقلابی مردم می نگرند، آنان را فریب خورده و بی اطلاع می انگارند و به زمین و زمان بد و بیراه می گویند، نمونه‌هایی از نتایج تاسف بار اتخاذ چنین شیوهی تفکر ذهنی بوده و محافل آنان بهترین زمین‌رشد فساد سیاسی و از همه خطرناکتر وابستگی به بیگانه است.

امام خمینی در این سخنان با روشن بینی روشنفکران را به قطرات آب تشبیه می کند و خطاب با آنان می گوید: "ای قطره‌ها بدریسا متصل شوید تا محفوظ باشید و الا مستهلک هستید و از بین میروید."

روشنفکران ایران و همه گروه‌های متشکله از آنان می باید برای شادابی سیاسی و ادامه حیات جون ماهی بدریای توده‌ها بزنند و در این راه انقلابی هر چه بیشتر با عطاق، به زحمتگشان نزدیک شوند، آنوقت آنها هم مفیدتر بحال مردم زحمتکش خواهند بود و هم از جنگ قلابهای خطرناک و متعدد ابر قدرتها که مشتاقانه در انتظار صید آنان هستند رهایی خواهند یافت.

شوروی...

بازو و عرق جبین کارگران آلمان "تولید بالارفت" وهم صاحبان صنایع از ورشکستگی نجات یافتند و هم بانکدارها فره‌تر شدند. این سیستم سرمایه داری یعنی امپریالیسم از نوع فاشیستی و هیتلری آن همان چیزی است که اکنون در اتحاد شوروی بر قرار شده است. و بهمین دلیل است که ما نوتسه دون میگوید: "شوروی امروز تحت دیکتاتوری بورژوازی قرار دارد، دیکتاتوری بورژوازی بزرگ، دیکتاتوری نوع آلمان فاشیستی، دیکتاتوری نوع هیتلری (نقل از مصاحبه مائوتسه دون در ۱۱ ماه مه ۱۹۶۴) ما در شماره بعد به یک جنبه دیگر از عملکردهای بانکهای امپریالیستی شوروی یعنی به مسئله صدور سرمایه خواهیم پرداخت.

و بدرستی دسمی سینه نوره و اجاب و مستبدین را با این جریان بزرگ اجتماعی که در مسیر استقلال و آزادی ایران حرکت کرده است متذکر میشوند. امام در عین حال با واقع بینی می افزاید: "من نمی خواهم بگویم در سرتاسر ایران هر کس عمامه دارد خوب است و نایب امام است". و در ادامه همین سخنان روحانیون مبارز را ملزم می داند که "... اگر کسانی در بین شما خدای ناخواسته انحراف دارند، از صفوف خود خارج کنید".

اجرای این رهنمود امام نیز یکی از مسائل پراهمیتی است که بر شد جریان انقلاب در مملکت کمک موری می رساند. هستند روحانی‌نمایی که عوامفریبانه خود را در صف اسلام مبارز جا زده‌اند و بدیهی ست که فعالیت آنان جز لطمه و ریان برای کل نهضت و بخصوص اسلام مبارز نداشته و ندارد. آنان نه تنها در کارها اختلال می کنند، نه فقط باعث لکه دار شدن حیثیت اسلام مبارز و روحانیون و بدبینی اقشاری از توده‌ها نسبت به این جامعه متعهد می گردند، بلکه در ردیف خطرناکترین دشمنان، تلاش می کنند تا این دژ مستحکم را از درون تسخیر نمایند. امام خمینی در خانه بار دیگر در باب وحدت، یعنی یکی از بزرگترین نیازهای نهضت کنونی برای پیشروی انقلاب اشاره کرده و خطاب به روحانیون و روشنفکران مطالبی ایراد کردند.

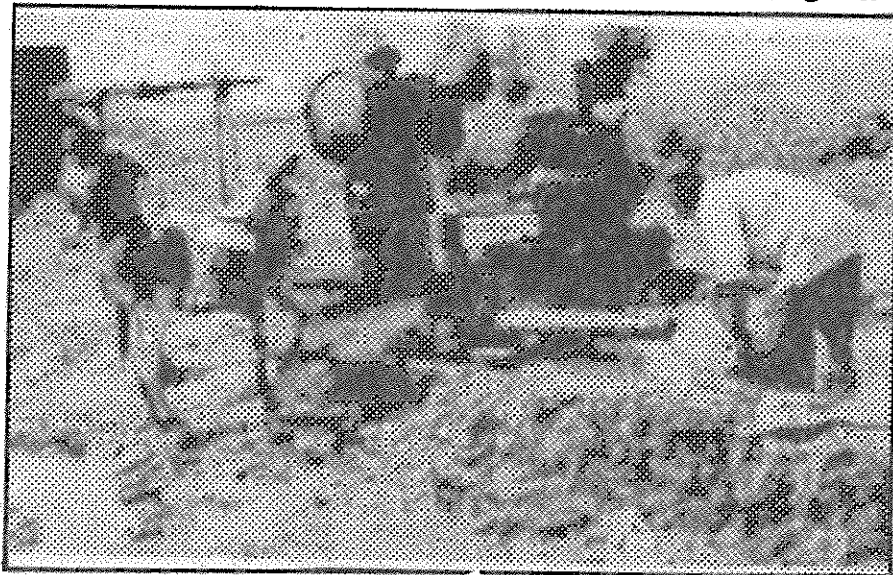
رهبر انقلاب اسلامی ایران به روحانیون فرمودند: "این قدرت دانشگاهی و طبقه جوان را حفظ کنید و در مقابل آن نایستید" و به روشنفکران و دانشگاهیان هشدار دادند: "این قدرت روحانیت را از دست ندهید" و برای تأمین منافع مملکت و ملت صریحا "از هر دو گروه خواستند: "با هم برادر باشید... همه اهل یک ملت هستید. این خانه خودتان را هر دو گروه حفظ کنید". در خانه این گفتار تاریخی امام خمینی ضمن یادآوری مجدد از نام حضرت آیت الله طالقانی، برای مردم سعادت و سلامت و برای مملکت استقلال و آزادی آرزو کردند.

* از روستاهای ترکمن صحرا *

ترکمن پشتوانه این تغییرات انقلابی است. اعتماد و اتکا به این نیروی عظیم و بسیج آنان در راه اهداف انقلابی گره‌گشای مسائل و مشکلات خواهد بود.

ما گوشه‌ای از مسائل و مشکلات این دو روستا را در اینجا می‌آوریم و از اهالی زحمتکش این روستا ها می‌خواهیم که از خواسته‌های خود و سایر مسائل و مشکلات ناحیه خود گزارشهای بیشتری برای ما تهیه کنند.

الیاس جرجانی: " در روستای ماتمام زمینها غصبی می‌باشد تمام این زمینهای را که می‌بینید قبل از ۱۳۴۱ مال ما بود و رژیم با یک یورش به دهات زمینها را از دست ما بیرون آورد. این زمینها را ما آباد کرده بودیم ما زحمت کشیده بودیم ما هم اکنون از این زمینهای غصبی سند داریم که باید به ما پس گردانده شود. اهالی "قره تپه" به علت نداشتن آب آشامیدنی، مبتلا به انواع امراض می‌باشند و از طرفی از همه چیز محروم می‌باشند. تمام خواسته‌های آنها به حق می‌باشد که باید به تک تک آن رسیدگی گردد.



" رجب علی میرزا علی " یکی از معتمدین محل که در زمان طاغوت زحمات زیادی برای این روستا کشیده است و مرتباً با دستگاههای دولتی برای این روستا درگیر می‌شد، صحبت می‌کرد: " به اهالی این روستا در زمان طاغوت نه تنها کمکی نشده بلکه ظلم هم شده است. تمام زمینهای اطراف ده

گداشته، فقر شدید، خانه خرابی و زندگی پر مشقت است. اکثر روستاهای ترکمن صحرا دارای وضع بسیار نا هنجاری هستند. آنها حتی از لحاظ ابتدائی ترین احتیاجات خود، یعنی آب در مضیقه می‌باشند.

ادامه انقلاب ایران در راه تامین استقلال و آزادی در گرو حل مسائل و مشکلات زحمتکشان میهن ماست. انقلاب باید در این مناطق و برای این هم میهنان ما تغییرات بزرگی بوجود آورد. نیروی عظیم زحمتکشان

نداریم و از چاه استفاده می‌کنیم و این هم آشامیدنی نیست. در مورد آب و برق چندین بار اقدام کرده ایم ولی هنوز جوابی نشنیده ایم. ما باید از کلیه امکانات رفاهی برخوردار باشیم. بین هیچکس تبعیض نباید وجود داشته باشد. در "قره تپه" "اسما" مدرسه داریم ولی به علت خرابی جاده بخصوص در زمستان که رفت و آمد سخت صورت می‌گیرد، معلم یک روز می‌آید، ده روز نمی‌آید. حالا حساب کنید بچه‌های ما چگونه می‌توانند درس بخوانند. در ده ماکسی نباید مریض شود چون رفت و آمد به سختی صورت می‌گیرد. ...

این روستا حدود ۳۰ خانوار جمعیت دارد که کار اصلی آنها کشاورزی است و محصولات آنها جو، گندم، آفتابگردان و پرورش اسب جهت مسابقات می‌باشد. در این ده علاوه بر ترکمن تعدادی هم زابلی و بلوچ زندگی می‌کنند که حتی منزل مسکونی هم از خود ندارند.

زمینداران این ده بیشتر گرگانی هستند که اطراف این روستا دارای زمینهای مرغوب می‌باشند.

حالا به خاطر آشنایی بیشتر، وضع ده را از زبان خودشان بشنوید. احمد پچه: " در ده ما ممکن است بعضی‌ها دارای ده هکتار زمین باشند ولی این ده هکتار حتی به اندازه دو هکتار هم محصول نمی‌دهد زیرا این زمینها نامرغوبند. از یک طرف این زمینها آب ندارند و از طرف دیگر شوره زار است. در این زمینها که جوو گندم می‌کاریم بیشتر علف می‌شود. ... حمید پچه (رئیس شورا): " غیر از مسئله زمین هم اکنون نیازهای مهم ما آب، برق و جاده می‌باشد. زیرا ما آب لوله‌کشی

گزارشی داریم از دو روستای ترکمن صحرا که از وضع زندگی سخت و طاقت‌فرسای این هموطنان زحمتکش ما حکایت می‌کند.

ما قبلاً چند بار درباره مسائل و مشکلات خلق، ترکمن و بخصوص روستائیان این منطقه مطالبی نوشتیم. در زمان رژیم منفور شاه روستاهای ایران، و مخصوصاً مناطق ملیت‌های ترکمن، کرد، بلوچ و ... بیش از هر جای دیگر مورد ستم، غارت و چپاول و انواع اجحافات بودند. آنچه که رژیم وابسته برای این هم میهنان ما باقی

قره تپه

این روستا در ۱۳ کیلو متری آق قلا (پهلویبدژ سابق) قرار گرفته و برای رسیدن به این ده باید از جاده خاکی بسیار سختی عبور کرد به طوری که عبور از این جاده در زمستانها به سختی صورت می‌گیرد و یا اصلاً عبور ممکن نیست. در این ده دو وانت بار رفت و آمد می‌کنند که جوابگوی احتیاجات اهالی نیست.

این روستا حدود ۳۰ خانوار جمعیت دارد که کار اصلی آنها کشاورزی است و محصولات آنها جو، گندم، آفتابگردان و پرورش اسب جهت مسابقات می‌باشد. در این ده علاوه بر ترکمن تعدادی هم زابلی و بلوچ زندگی می‌کنند که حتی منزل مسکونی هم از خود ندارند.

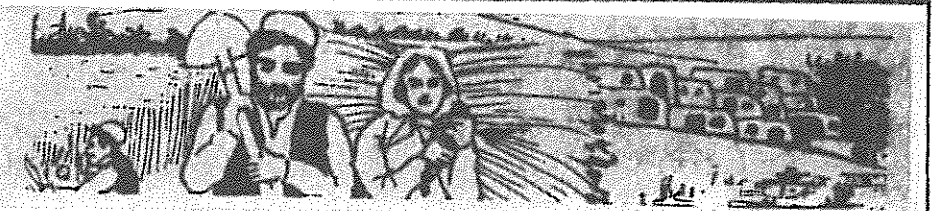
زمینداران این ده بیشتر گرگانی هستند که اطراف این روستا دارای زمینهای مرغوب می‌باشند.

حالا به خاطر آشنایی بیشتر، وضع ده را از زبان خودشان بشنوید.

احمد پچه: " در ده ما ممکن است بعضی‌ها دارای ده هکتار زمین باشند ولی این ده هکتار حتی به اندازه دو هکتار هم محصول نمی‌دهد زیرا این زمینها نامرغوبند. از یک طرف این زمینها آب ندارند و از طرف دیگر شوره زار است. در این زمینها که جوو گندم می‌کاریم بیشتر علف می‌شود. ... حمید پچه (رئیس شورا): " غیر از مسئله زمین هم اکنون نیازهای مهم ما آب، برق و جاده می‌باشد. زیرا ما آب لوله‌کشی

اونق یلقی

روستای " اونق یلقی " ۱۷۰ خانوار جمعیت دارد که ۱۲۰ خانوار آن ترکمن و بقیه آن زابلی می‌باشند. این ده در ۱۵ کیلو متری آق قلا (پهلویبدژ سابق) قرار دارد.



عملی بحق و انقلابی

اعدام دو فتوئودال در کردستان

که منجر به کور کردن و کر شدن عده ای از کشاورزان این روستا گشته و نیز به زوربه‌زنان روستا تجاوز کرده و به زناي محصنه محکوم و نامبرده به عنوان مفسد فی الارض شناخته و محکوم به مرگ شده است.

ما ضمن حمایت قاطع خود از سرکوب این ضدانقلابیون، همانطور که در گذشته نیز متذکر شده بودیم، معتقدیم که یکی از راههای اساسی بسط و تحکیم پایه‌های انقلاب در کردستان، حمایت از دهقانان و سرکوب قاطع فتوئودالهای مرتجع و جنایتکار در این منطقه است، بدین طریق با کسیدن این علفهای هرزه از صحنه روستا، دهقانان آزاد و شکوفا میگردند، با انقلاب متحد تر گشته و زمینه خرابکاری عناصر ضدانقلابی که از مشکلات و خواسته‌های دهقانان برای بسیج آنان علیه دولت مرکزی و انقلاب شد استفاده میکنند، محدود و خشک میگردد.

تنها راه تحکیم انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب در کردستان، تکیه کردن به توده‌های مردم است و برای اینکار باید دشمنان آنان را سرکوب کرده و به خواسته‌های زحمتکشان پاسخ گفت. ما ضمن حمایت قاطع خود از این عمل انقلابی دادسرای انقلاب اسلامی سنندج، امیدواریم سرکوب فتوئودالهای مرتجع ضد انقلاب ادامه یابد و اعدام انقلابی این دو فتوئودال جانی را به دهقانان زجر دیده کردستان تریک میگوئیم.

در روز شنبه ۲۴ شهریور در شهر سنندج دو فتوئودال بنامهای عباس بهرامی کمانگر از خانهای روستای " ماراو " (از توابع شهرستان کامیاران) و علیرضا سنندجی معروف به والی خان از مالکان بزرگ به جرم تجاوز به حقوق و ناموس کشاورزان منطقه کردستان از طرف دادگاه انقلاب اسلامی سنندج به مرگ محکوم و تیر باران شدند.

این دو فتوئودال از عاملین رژیم طاغوت و دشمن سرسخت دهقانان فقیر کردستان بودند و دهقانان بارها علیه آنها قیام نموده و از دولت ملی مجازات آنها را خواستار شده بودند. طبق اطلاع دادستان دادسرای انقلاب اسلامی سنندج (اطلاعات ۶/۲۴): عباس بهرامی با چهار برادر خود که در حال حاضر فراری هستند، به تجاوز بی دری به اموال و زمینها و مزارع کشاورزان روستای " ماراو " بوده و در منزل وی تعدادی مسلسل ز - ۳ و سلاح‌های دیگر به اضافه یک دستگاه بی سیم و صدها فشنگ مختلف کشف شد.

بحکم دادگاه انقلاب اسلامی کلیه اموال منقول و غیر منقول عباس بهرامی و هر چهار برادر فراری او بِنفع مستضعفین و کشاورزان روستای " ماراو " مصادره شد. علیرضا سنندجی نیز به اتهام وابستگی بسیار نزدیک به رژیم فاسدگذاشته، سوء استفاده از این وابستگی علیه کشاورزان روستای " الکک "

گزارشی از عملکرد

فتوئودالهای چیرفت

گردد)، مجید خان مهبمی و چند نفر دیگر با یادیشان برای آزادی یحیی توکلی به کرمان رفته و در روز شنبه ۲۷/۵ در جلوی دادگاه انقلاب متحصن می‌شوند و دو نفر به نامهای امیر و علو طیاری به نمایندگی بقیه برای مذاکره با دادستان انقلاب وارد میشوند که امیر طیاری را بازداشت می‌کنند و علو

در تاریخ ۲۴ خرداد ماه سال جاری به دنبال شکایت عده‌ای از عشاریه نام " احمد یوسفی‌ها " که در " کمرکون " و در دامنه کوه‌های بارز در حدود ۵ کیلومتری شهرستان چیرفت زندگی می‌کنند و به کمیته پاسداران چیرفت برای بررسی موضوع و حل و فصل بین اهالی ... فتوئودالها شکایت نموده

جیرفت زندگی می کنند و به کمیت پاسداران جیرفت برای بررسی موضوع و حل و فصل بین اهالی و یکی از فتوادلها شکایت نموده بودند، ۸ نفر پاسدار و سرگروه عازم منطقه شدند. زمانی که به محل می رسند شخصی به نام امیر که یکی از برادران یحیی توکلی یکی از فتوادلها آنجاست جلو آمده و جویای علت آمدنشان می شود که در پاسخ می گویند برای بررسی موضوع و حل اختلاف آمده ایم. شخص فوق (امیر) قسم قرآن می خورد از این به بعد کاری نخواهم کرد. نامبرده رفته و با برادرش توطئه خلع سلاح پاسداران را می چیند و به سرگروه می گوید که وارد شوند. یکی از پاسداران که قبلاً یحیی را میشناخته که چگونه آدمی است از رفتن پاسداران ممانعت می کند اما بقیه پاسداران گول ظاهر پر فریب او را می خورند و هر کدام که وارد می شوند توسط ایادی مسلح خلع سلاح میگردند به جز همان یک نفر پاسدار که حاضر به رفتن همراه آنها نمی شود. این شخص صدای یحیی را که دستور گرفتن او را صادر می کرد فهمیده و فرار می کند. عده ای او را تعقیب می کنند که تیر اندازی می شود و شخص فوق الذکر موفق به فرار و کشتن یکی از ایادی فتوادل می شود. سپس خود را به کمیت جیرفت رسانده و جریان را می گوید. ایادی فتوادل بقیه پاسداران را خلع سلاح می کنند و سرگروه آنها را به شدت کتک می زنند و همچنین به قرآن توهین نموده و در میان زاری و التماس پاسداران را محاکمه می کنند. فتوادل فوق پیش دستی نموده به جیرفت می آید و تقاضای صحبت با استاندار کرمان می نماید و مدعی می گردد که پاسداران یکی از ایادی او را به قتل رسانده اند و توضیح می دهد خانه اش تحت محاصره پاسداران واقع شده و او را حین کشیدن تریاک می گیرند. عده ای از فتوادلها منطقه که یکی از آنها طیاری نام دارد و از نزدیکان او می باشد به پشتیبانی برخاسته و به کمک ایادی خود سایر فتوادلها جاده جیرفت به کرمان را می بندد و نصف شب از راهی دیگر فتوادل مورد نظر را به کرمان می برند. عده ای از فتوادلها به نامهای امیر و علو طیاری - غلامحسین خان مهیمی - رضا خان مهیمی (که این فرد قبل از انقلاب در دی ماه ۵۷ یکی از اهالی خوش نشین دولت آباد جیرفت را که در ۱۲ کیلو متری شهر واقع شده به ضرب گلوله می کشد. مقتول به شغل آهنگری و بنائی وارد بوده و حدود ۲۲ سال سن داشته است. پس از این قتل رضا خان مهیمی آزادانه می گردد، و قرار می شود که از طرف استانداری میانجی تحویل اسلحه های مصادره شده توسط ایادی یحیی

نامهای امیر و علو طیاری به نمایندگی یحیی برای مذاکره با دادستان انقلاب وارد میشوند که امیر طیاری را بازداشت می کنند و علو طیاری فرار کرده و او را تا عشیر آباد جیرفت تعقیب می کنند که از آنجا موفق به فرار می شود. گوشه ای از اعمال یحیی توکلی در این چند سال اخیر:

۱- یکی از فتوادلها بزرگ منطقه است که مقداری از زمینها را در زمان پدرش که آنها را از طریق فشار و زور حق مردم را پایمال کرده و گرفته بود او هم از طریق زور، حق مردم را پایمال کرده و آنها را بی زمین کرده است.

۲- یکی از ایادی محمد علی خرم همدوم است که در منطقه جیرفت شروع به ایجاد کشت و صنعت در منطقه رودبار و جز موریان کرده و در خود جیرفت شروع به ساختمان عشرتکده و قمارخانه ای کرده بود که در ایام زمستان که هوای منطقه معتدل است مکانی برای جلب توجه ثروتمندان و شیوخ عرب باشد. بعد از انقلاب تمام ماشین آلات کشاورزی و راه سازی و بولدور ماشین حفاری را به تصاحب خود در آورده بود.

۳- "خریشت" یکی از واحدهای کشت و صنعت است که یحیی با عده ای از اهالی علی آباد و جبال بارز مالکیت آن را داشته اند. یحیی سهم اهالی را به زور غصب نموده و فقط به یکی از آنها مبلغ ناچیز ۱۵ هزار تومان می دهد. با بند و بست با مدیر عامل کشت و صنعت به نام کامر که در زمان روحانی داشته زمین فوق را در حدود ۹ میلیون تومان به فروش می رساند.

۴- هم اکنون دولت در نظر دارد، کشت و صنعت را که وابسته به وزارت کشاورزی است به فروش برساند و یحیی در نظر دارد که خودش آن را بخرد ولی با اعتراض کارگران که در آن قسمت کار می کنند روبرو شده و کارگران حاضر نیستند که دولت کشت و صنعت را به فروش برساند چون از یک طرف باعث بیکار شدن آنها شده و از طرف دیگر موجب می شود زیر ستم و زور گویی یحیی بروند. چون هنوز خاطرات تلخ گذشته که آنها را با طناب به دور درخت می بسته و آنها را شديدا می زده به یاد دارند.

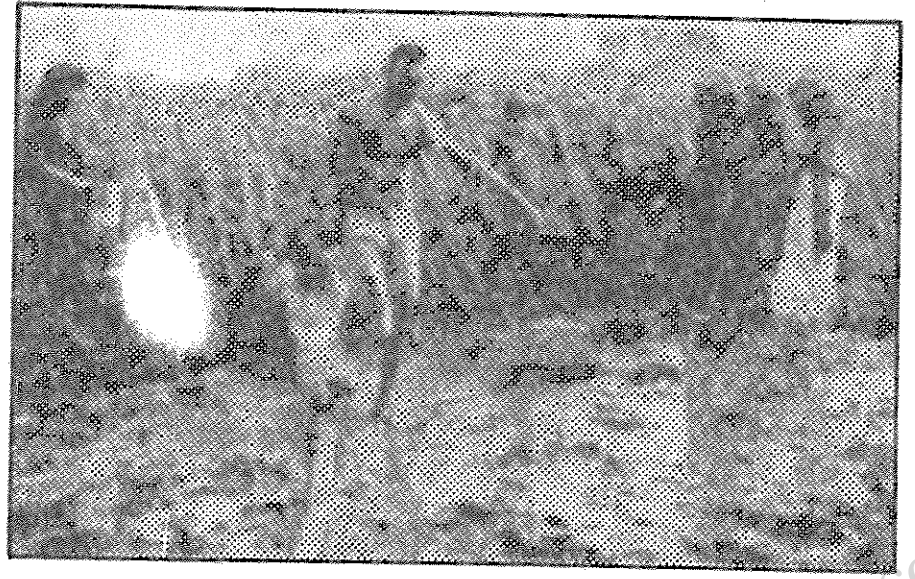
۵- به مدت چند سال از هر کامیونی که از رودخانه نزدیکی شهر شن می زده مبلغ ۲۰۰ ریال دریافت می کرد به حساب این که از شهرداری به مبلغ ۸۰۰ هزار تومان اجاره کرده است. این عمل تا پیروزی انقلاب ادامه داشته است.

بقیه آن زینتی می بستند. پس در ۱۰ کیلو متری آق قلا (پهلوی دژ سابق) قرار دارد.

به نظر خود اهالی هیچ دهی مثل روستای آنها نیست که این قدر ظلم و ستم کشیده باشد. آنها همیشه با فتوادلها تکیه زمینهای آنها را غصب کرده اند درگیری داشته اند و هم اکنون هم این مسئله وجود دارد.

دن نبود که بهیچ وجه قابل خوردن نیست منتهی به ناچار از آن استفاده می کنند و به همین علت به امراض مختلف دچارند.

مسئله دیگر سرازیر شدن سالی چندبار سیل به ده می باشد که هر بار خساراتی هم به بار می آورد. در این مورد چون سیل وارد زمینهای زراعتی آنها می شود، آنچه را که کاشته اند با خود می برد. در این صورت آنها مجبورند سالی چند بار کشت داشته باشند.



۶- عشایر "احمد یوسفی" قسمتی از زمین های آبا و اجدادی خود را با استفاده از غیبت یحیی در منطقه تسطیح و درختکاری و کشت و زرع نموده اند و از رودخانه ای که از "کمرکون" می گذرد نهری در آورده و از آن استفاده می کردند. موقعی که یحیی بر میگردد شروع به اذیت و آزار مردم کرده و قسمتی از زمینهای آنها را تصاحب می کند و از نهری که مردم در آورده بودند او هم نهری برای استفاده شخصی خودش در می آورد و در کنار آن درختکاری می کند و آب نهری را که مردم استفاده می کردند به دو قسمت تقسیم کرده و به نفع خودش تصاحب می کند. تا اینکه امسال بعد از پیروزی انقلاب بر اثر کم شدن آب یحیی آب نهر مردم را بسته و باعث خشک شدن حاصل دیگران می شود که مردم شکایت می کنند و چند مرتبه از طرف کمیته انقلاب و پاسداران منطقه جیرفت برای حل و فصل مشکلات آنها می آیند که همیشه با قول مساعد یحیی روبرو می شوند که هیچوقت آنها را عملی نکرده تا اینکه در مرحله آخر با توطئه چینی قبلی به عمل کشیف خود

مبادرت می ورزد و باعث کشته شدن انسان بی گناهی می شود. اینها شمه کوچکی از جنایات و قتلدریهای این فتوادل بزرگ و اشرار منطقه است.

یحیی را در دادگاه انقلاب بر اثر وساطت یکی از فرماندهان نظامی که از آشنایان او بوده و کرمانی است به ۱۵ سال زندان محکوم می کنند و برادر دیگرش به نام غلامرضا به ده سال و امیر را به ۲ سال زندان محکوم می نمایند.

ما از دادستان انقلاب جمهوری اسلامی کرمان خواهان آن هستیم که هم اکنون که این ضد انقلاب به دام افتاده به تمام جنایات این شخص رسیدگی کنند و او را به کیفر جنایات پلیدش برسانند. باشد که یکی از خواسته های زحمتکشان که سالهای سال مورد ستم و ضرب و شتم او بوده اند برآورده شود.

در زمان طاغوت نه تنها کمکی نشده بلکه ظلم هم شده است. تمام زمینهای اطراف ده غصبی می باشد و هم اکنون صاحبان آن برای ارتش چون تیمسار هاشمی نژادها و زمیندارانی چون "هزیر یزدانی" و "حاج عطایقه" می باشد. ما در این ده زمینهای داریم که دارای چند مالک اشتراکی است و هم اکنون در دست یک نفر می باشد و این باید به صاحبان اصلی برگردانده شود. همه اهالی از "حاج عطایقه" ناراضی اند و شکایت های زیادی کرده اند منتهی هنوز ترتیب اثر نداده اند. باید معلوم شود زمیندارانی چون هزیر یزدانی - حاج عطایقه - هاشمی نژاد - مهندس شکوهی - مهندس ریحانی - القانی - سرهنگ سمتو - دانی دیبا - شهبازی - درویش محمدی ... زمینهایشان را از کجا آورده اند. ما قبل از "اصلاحات ارضی" دارای دامداری بسیار خوبی بودیم. ولی اکنون همه از بین رفته، مرتع ما هم از بین رفته است. مقدار مرتعی هم که داریم آن هم بوسیله تیمسار مزین به حاج عطایقه - امام قلی اونق - عباس جلیلی سیرده شده.

۱۳ ماه هست که مبلغ ۱۷۲ هزار تومن بابت برق پرداخته ایم ولی هنوز از برق خبری نیست.

هفته نامه
رنجبر
ارگان مرکزی سازمان انقلابی
مدیرمسئول - علی حجت
سردبیر - فرامرز وزیري
نشانی - تهران، خیابان مصدق
پاڤین ترازا میراکرم، کوی
گودرز - شماره ۱۶
تلفن - ۶۶۰۵۱۹
نشانی پستی - تهران، صندوق
پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴
چاپ سکه

☆☆☆

فیروزی ضربتی امپریالیستهای روسیه -

پس از فاش شدن طرح بر قدرت آمریکا، مبنی بر ایجاد یک نیروی ضربتی ۱۱۰ هزار نفره، اینک یک روزنامه آلمانی، از ایجاد یک نیروی ضربتی ۴۰ هزار نفره توسط ابر قدرت شوروی برده بر می دارد.

همانطور که ابر قدرت آمریکا این نیروی ضربتی را برای حفظ منافع امپریالیستی خود در خاور میانه تدارک می دید تا در مواقع ضروری و "بروز بحران نفتی" آنها را وارد کارزار نماید، ابر قدرت شوروی نیز این نیرو را برای حفظ منافع امپریالیستی خود آماده می سازد و ولایت آن را دفاع از به اصطلاح "سوسیالیسم"، "صلح" و "مبارزه علیه



گزارشی از زندان

انقلابی، در داخل سلول بودم که شنیدم یکی از پاسدارها در بیرون فریاد می زند این پیروز سازمان انقلابیها کجا هستند که با هم بحث کنیم. ادامه داد به فحش دادن به سازمان انقلابی و رهبران. فحش معمولی ساواکی و این حرفها بود. به یکی از پاسدارها که دوست شده بودیم گفتم که این یکی دیگر کیست؟ گفت آدم ناجور است طرفش نشو. یارو هنوز دارد فحاشی می کند.

یکی از دوستان ضمن صحبت با پاسدارها گفت که آقا این یکی بی برو برگرد توده ای هست. به جز توده ایها کسی به سازمان انقلابی نمی گوید ساواکی.

چهارشنبه ۲۱ شهریور: اسم مادر روزنامه ها چاپ شده بود و اعلامیه سازمان انقلابی خواستار آزادی ما شد. پاسدارها روزنامه ها را به ما و دیگران نشان میدادند. ناهار را با پاسدارها می خوریم. غذا کم آمده و پاسدارها می گذارند اول ما سیر شویم بعد خودشان بخورند.

پاسدارها خبر آوردند که آن پاسداری که دیروز به سازمان انقلابی فحش می داده از سپاه اخراج شده. البته دلیلش فقط فحش دادن به ما نبود. بعد فهمیدند که واقعا

افغانستان ...

و خروشان مبارزات مسلحانه توده ها علیه شوروی و نوکراتش تبدیل گردیده است. مردم با از خود گذری و شجاعت قهرمانانه برای نابودی تسلط بیگانه در کشور ما میزنند. بر تمام نیروهای انقلابی و میهن پرستان است که با هوشیاری و اعتقاد عمیق به ماهیت استقلال طلبانه جنگ مقاومت صدورسی خلق ما در خدمت آن قرار گیرند. برای خدمت شایسته به جنگ مقاومت کنونی لازم است دسایس رژیم و با دارانش را شناخته و خصوصیات جنبش را درک نمائیم تا آگاه یا نا آگاهانه در دام توطئه های تفرقه افکنانه رژیم ترهکی قرار نگیریم.

یکی از مهمترین خصوصیات جنگ ضد سوسیال امپریالیستی ملت قهرمان ما صیغه اسلامی بودن آن است. دین اسلام از دیر زمان میان اکثریت قاطع مردم ما ریشه های عمیق تاریخی دارد. با وجود عده محدودی از روحانیون کاذب که کوشیده اند از اعتقادات مردم برای طولانی کردن عمر ارتجاع و حامیان استعمارگر و امپریالیستش استفاده نمایند، روحانیون مبارز همواره همراهی و رهبری مردم ما در مبارزات ضد ارتجاعی و ضد استعماری آنان نقش بزرگی را ایفاء نموده اند.

تاریخ سه قیام بزرگ ضد انگلیس خلق ما گواه بر این امر است. انگلیسیها در کشور ما قبل از هر چیز با جامه "اسلام" و "مسلمان" و خریدن روحانی نمایان به اصطلاح "مسلمان" می خواستند به تحکیم موقعیت استعماری شان نایل آیند ولی مردم ما دنبال مسلمان نمائی های انگلیسیها و روحانی نمایان خود فروخته نرفتند مردم ما به اسلام مبارز و پیروان واقعی آن روگردند. یک زمان شاه شجاع خواست با عبا و قبا و دین و اسلام مردم ما را غارت و ملک ما را بفروشد، اما مردم در پرتو اسلام مبارز، شاه شجاع و حامیان انگلیسی او را در آتش مبارزات خود سوزاندند.

ملاشک عالم در پرتو اسلام مبارز زمانی درفش مبارزه بر ضد ارتجاع داخلی و استعمار انگلیس را بلند نمود که امیر عبدالرحمان خان خود را یگانه "حامی اسلام"، "ولی" و ظل الله قلمداد می کرد تا از ایمان مردم به اسلام سوء استفاده کند. اما راهروان اسلام مبارز و توده های مسلمان نه تنها فریب این حامی دروغین اسلام را نخوردند بلکه به مبارزه بی امان علیه او و اربابان انگلیسیش شدت بخشیدند.

و نیز در سالهای اخیر ما شاهد آن بوده ایم که چگونه بسیاری از روحانیون و ملاهای شریف و میهن پرست به جرم ایراد سخنرانی در مساجد، تکه خانه ها، ضد ظلم و ستم

را مبداء قرار داد نه خواسته های ذهنی "پسندیده" و کتابی جدا از واقعیات و مشخصات موجود را. مبارزه علیه دشمنان دین و جهاد در برابر تجاوزگران در چهار چوب اسلام مبارز برای توده های مسلمان ما بیگانه نبوده و زمینه درک و پذیرش آن از دیر زمان وجود دارد. واقعیات موجود ملک ما بسیار گویاست. با آنکه دیگر نیروهای انقلاب نیز شعارهای بر حق و صحیح دارند ولی این اسلام مبارز است که توده های وسیع را متحدانه به جنگ بزرگ ملی علیه تجاوزگران روس و باند ترهکی - امین به مبارزه کشانده است. رژیم و سوسیال امپریالیسم متوحش از گسترش شعله های جنبش به طور مسخره ای مذبحخانه تلاش دارند تا با بر چسب هایی مثل "ارتجاعی"، "اخوان السیاطین" و "اجیران خارجی" و ... مبارزه افتخار آمیز استقلال طلبانه خلق ما را بد نام سازند.

در این میان آنانی هم که با انگشت گذاردن بر این یا آن عنصر نا مطلوب و یا مواضع نا صحیح برخی از گروه های درون جنبش پیکار عادلانه کنونی خلق ما را تخطئه کنند بخواهند یا نخواهند در حلقه ننگین تبلیغات مسکو و رژیم وطن فروش ترهکی - امین قرار می گیرند.

هر نیرو و عنصری که در حال حاضر نقش اسلام مبارز را در ارتباط با زندگی و تاریخ مردم ما و مبارزات کنونی آنها در نظر نگیرد نمی تواند کار و پیکار در راه افغانستان مستقل و آزاد و پاک از وجود سوسیال امپریالیستها و جاسوسان کنیفش را صادقانه و ثمر بخش پیش ببرد. ما با سر بلندی و ازدل و جان از این خیزش توفان اسای ملت خویش دفاع می کنیم.

پایه جنگ ضد سوسیال امپریالیستی امروزی در کشور ما را توده های آزادیخواه مسلمان ما تشکیل می دهد و از این روشگست نا پذیر است.

اسلام مبارز بنیاد وحدت امروزی خلقهای ما را در نبرد ضد سوسیال امپریالیستی آنان می سازد و از این روزسوار دفاع قاطع است.

تصمیمات ...

سلطه جوی آمریکا و شوروی را بطور اخص مسدود نمود. لذا ما معتقدیم قانون ممنوعیت استخدام مستشاران نظامی باید شامل همه امپریالیستها و بویژه هر دو ابر قدرت آمریکا و شوروی گردد.

مورد دوم یعنی لایحه پاکسازی وزارتخانه ها، دانشگاهها، بانکها و موسسات دولتی و تهیه واعلام نیست ساواکیها و عناصر ناباب متعلق به رژیم وابسته سابق، قدمی در جهت ایجاد محیط مساعد در دستگاها

سفر ...

ایجاد کرد. ۸- در مورد کانالهای نیمه تمام که بودجه هنگفتی بدان اختصاص داده شده در صورتیکه این کانالها برای کشاورزان سودمند تشخیص دهند در مورد اتمام آن اقدام لازم را بعمل آورید.

در زابل. ۹- ایجاد مدارس و راههای روستائی ما معتقدیم که این خواستها همگی محقق اند و سفر نخست وزیر به این استان حساس را گامی مثبت در راه بر آوردن آنها، رفاه خلق و تحکیم استقلال کشور میدانیم. گامی اولیه و مهم که باید با قدمهای جدی دیگر دنبال شود و حالت نمایشی نداشته باشد. ویژه گی بلوچستان، عقب ماندگی شدید و فقر بیحد زحمتکشان این سامان و اهمیت بزرگ سیاسی و استراتژیک این منطقه برای استقلال کشور ماست. هم امپریالیستهای آمریکائی و هم سوسیال - امپریالیستهای شوروی مدتهاست که چشم به این منطقه دوخته اند، بویژه امپریالیستهای روسی که نقشه ای ایجاد یک بلوچستان بزرگ تحت نفوذ خود از مناطق بلوچ نشین ایران و پاکستان را دارند تا بدین وسیله به دریای عمان و اقیانوس هند راه یافته و وصیت نامه تزار بطر کبیر را جامه ی عمل ببوشانند.

دولت موقت نیز از این نقشه ها آگاه است، چه مدتی پیش آقای طباطبائی معاون نخست وزیر بصراحت این نقشه های امپریالیستهای روسی را افشاء کردند.

بدین خاطر ما معتقدیم دولت موقت باید بطور جدی و نه نمایشی، به خواسته های اساسی و بحق مردم بلوچستان و سیستان رسیدگی کند و با متحد شدن با مردم، سرکوب خانها و سردارهای مرتجع به مردم کمک کند که بسیج و متشکل شوند و در نوسازی منطقه خود شرکت کنند و بدین صورت وحدت دولت مرکزی با خلق بلوچ مستحکم گشته و زمینه برای توطئه های امپریالیستها نا مساعد گردد.

مساله پاکسازی ادارات و موسسات با آنکه در بعضی از سطوح بخوبی پیش رفته بود ولی در بسیاری موارد بعلت تصفیه نشدن عناصر ضد انقلابی و یا انجام تصفیه با معیارهای نادرست، نارضایتی های بسیاری را در ادارات و موسسات و دانشگاهها دامن زده بود. امیدواریم مسئولین امور در جهت اجرای این لایحه بتوانند ضمن کوتاه کردن دست عناصر ضد انقلابی از مشاغل مهم، بعضی کمبودها و اشتباهات را جبران نمایند و به معیارهای درستی در پاکسازی ادارات و موسسات دست یابند. معیارها، که نتواند

در سق رستهی اون پاسدار صمد، خروشچف عصبانی عدم، باو گفتم میخوام بدانم باز جو کیست. گفت این دونفر آقایان گفتم پس تو زبان درازی نکن که میخواست به من حمله کند باز جوها جلوی را گرفتند و بیرونش کردند. دو باز جو هم بعد از مقداری سؤال و جواب و بحث سیاسی رفتند. دوشنبه ۱۹ شهریور: صبح خبر در گذشت آیت الله طالقانی مانند پتکی بر مغزم نشست. با یکی از پاسدارها در چن حیاط نشسته بودم و صحبت می کردم که بلند گوی ستاد خبر رادیو را در مورد در گذشت آیت الله طالقانی پخش کرد. بی اختیار سرم را روی شانه پاسدار گذاشتم و زدم زیر گریه. های های گریه می کردم. بعد فهمیدم که پاسدارها تعجب کرده بودند. می گفتند که چطور یکی کمونیست است و برای آیت الله طالقانی گریه می کند.

روز دوشنبه رفتار پاسدارها خیلی خوب بود، در سلولها باز بود و همه باهم صحبت می کردیم. بعد از ظهر در مراسم پاسداران برای یادبود آیت الله طالقانی در ستاد ما تسلیم نامه ای نوشتیم و به پاسدارها دادیم. تسلیم نامه را از طرف گروهی از هوا داران سازمان انقلابی در زندان نوشتیم. این تسلیم نامه در مراسم خوانده شد. تنها تسلیم نامه ای بود که به پاسدارها رسیده بود. بعد از مراسم پاسدارها صف بسته بودند که به داخل زندان بیایند و ما را ببینند. خیلی از کارها و حرفهای ما برای آنها عجیب بود. با چیزهایی که از "کمونیستها" به آنها گفته بودند و یا شنیده بودند تعجب می کردند و می گفتند که ما چقدر خوب هستیم (واقعا) اینطور بود. از خودمان تعریف نمی کنیم. این ما نبودیم که خوب بودیم. این خط سیاسی سازمان است که واقعا عالی است و ما سعی کردیم و تا حدی اجرایش کردیم.)

سه شنبه ۲۰ شهریور. در این چند روز از حال پتی از دوستانمان خبری نداشتیم. امروز گفتند که او را بردند بیمارستان. امروز پاسدارها با ما خیلی برادرانه رفتار می کنند. نگهبان زندان که بدستش می رود، مرا می گذارد بجای خودش نگهبانی. یکی دیگر از دوستانمان را دنبال غذا می فرستند. مسئول پخش غذا هستیم. هر وقت ظرف کم داریم ما با پاسدارها شریک می شویم. پاسدارها اول می خواهند ما سیر بشویم. از سهم خودشان هم به ما میدهند. با زندانی های دیگر هم بحث میکنیم و آنها به خط مشی سازمان انقلابی علاقمند می شوند. همه می گویند زنده باد سازمان

در سق رستهی اون پاسدار صمد، خروشچف عصبانی عدم، باو گفتم میخوام بدانم باز جو کیست. گفت این دونفر آقایان گفتم پس تو زبان درازی نکن که میخواست به من حمله کند باز جوها جلوی را گرفتند و بیرونش کردند. دو باز جو هم بعد از مقداری سؤال و جواب و بحث سیاسی رفتند. دوشنبه ۱۹ شهریور: صبح خبر در گذشت آیت الله طالقانی مانند پتکی بر مغزم نشست. با یکی از پاسدارها در چن حیاط نشسته بودم و صحبت می کردم که بلند گوی ستاد خبر رادیو را در مورد در گذشت آیت الله طالقانی پخش کرد. بی اختیار سرم را روی شانه پاسدار گذاشتم و زدم زیر گریه. های های گریه می کردم. بعد فهمیدم که پاسدارها تعجب کرده بودند. می گفتند که چطور یکی کمونیست است و برای آیت الله طالقانی گریه می کند.

روز دوشنبه رفتار پاسدارها خیلی خوب بود، در سلولها باز بود و همه باهم صحبت می کردیم. بعد از ظهر در مراسم پاسداران برای یادبود آیت الله طالقانی در ستاد ما تسلیم نامه ای نوشتیم و به پاسدارها دادیم. تسلیم نامه را از طرف گروهی از هوا داران سازمان انقلابی در زندان نوشتیم. این تسلیم نامه در مراسم خوانده شد. تنها تسلیم نامه ای بود که به پاسدارها رسیده بود. بعد از مراسم پاسدارها صف بسته بودند که به داخل زندان بیایند و ما را ببینند. خیلی از کارها و حرفهای ما برای آنها عجیب بود. با چیزهایی که از "کمونیستها" به آنها گفته بودند و یا شنیده بودند تعجب می کردند و می گفتند که ما چقدر خوب هستیم (واقعا) اینطور بود. از خودمان تعریف نمی کنیم. این ما نبودیم که خوب بودیم. این خط سیاسی سازمان است که واقعا عالی است و ما سعی کردیم و تا حدی اجرایش کردیم.)

سه شنبه ۲۰ شهریور. در این چند روز از حال پتی از دوستانمان خبری نداشتیم. امروز گفتند که او را بردند بیمارستان. امروز پاسدارها با ما خیلی برادرانه رفتار می کنند. نگهبان زندان که بدستش می رود، مرا می گذارد بجای خودش نگهبانی. یکی دیگر از دوستانمان را دنبال غذا می فرستند. مسئول پخش غذا هستیم. هر وقت ظرف کم داریم ما با پاسدارها شریک می شویم. پاسدارها اول می خواهند ما سیر بشویم. از سهم خودشان هم به ما میدهند. با زندانی های دیگر هم بحث میکنیم و آنها به خط مشی سازمان انقلابی علاقمند می شوند. همه می گویند زنده باد سازمان

شریف و میهن پرست به جرم ایراد سخنرانی در مساجد و تکیه خانهها بر ضد ظلم و ستم و فعالیت های وطن پرستانه دیگر به زندان افکنده شدند. خاطره مبارزات روحانیون و وطن پرستی چون مولانا عبدالسلام پیکارجو و یارانش در دوران حکومت ظاهر شاه همیشه احترام برانگیز و فراموش ناشدنی باقی خواهد ماند. امروز خلق دلاور افغانستان با بلند نگه داشتن بیرق اسلام مبارز با اراده ای راسخ به مبارزه ای کبیر و شکوهمند ملی علیه سوسیال امپریالیسم روس و دولت دست نشانده اش قد علم کرده است.

حیل زبوانه ای رژیم مبنی بر سروصدای اعمار (۵۵۰) مسجد، پخش تلاوت قرآن از رادیو و تلویزیون، به نمایش گذاردن صحنه های به اصطلاح عبادت تره کی این واقعا "معلم" و "رهبر خیانت، جنایت و وطن فروشی" با جمع اعوان جاسوس و خائنین، پخش صدها هزار فریب نامه و غیره به خاطر اثبات "مسلمانی" این "نابغه" در مانده و رژیم منفورش، ذره ای هم اراده مردم مارا جهت به گور سپردن و راندن تجاوز کاران روس و عمالش سست نکرده است. مردم سراسر کشور ما زیر بیرق واحد اسلام مبارز به چنان مبارزه بر از قربانی، سر سخت و بی امانی

علیه بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان برخاسته اند که تمام مردم و نیروهای آزادی دوست جهان را به تحسین واداشته و سوسیال امپریالیسم را به یأس و واماندگی دچار ساخته است.

نیروهای واقعا "ضد امپریالیستی و انقلابی" که خواهان افغانستان مستقل و آزاداند به اهمیت نقش اسلام مبارز واقف اند. هیچ عنصر صادق و آگاهی نیست که منکر نفوذ عمیق اسلام مبارز در جریان تاریخ در شکل و محتوی مبارزات ملی و طبقاتی کشور ما باشد. از این رو درک این مسئله مهم و در نظر داشتن آن بخصوص در چنین مقطعی از مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما دارای اهمیت اساسی است.

کوچکترین بی توجهی به افکار و اعتقادات، به سنن تاریخی و نقش اسلام در زندگی مردم ما عامل ایجاد جدایی و دوری میان توده ها و روشنفکران انقلابی خواهد بود، امری که رژیم دست نشانده ما تلاش بسیار خواهان آن است. پیروزی انقلاب با اتکاء به خلق میسر است باید سطح توده، خواست ها و زمینه های عقیدتی و شیوه های مبارزات آنها بیشتر کرد و اعتقادمان را به حقانیت وحدت خلق و ادامه ی پیروزمند انقلاب تقویت کرد.

ناباب متعلق به رژیم وابسته سابق، قدمی در جهت ایجاد محیط مساعد در دستگاه های دولتی و قرار گرفتن بیشتر آنها در خدمت مردم و انقلاب است.

مصاحبه با ساندینستیها

چندی قبل گزارش گر "رنجبر" مصاحبه ای با نماینده جبهه آزادیبخش ملی نیکاراگوئه، در امریکا (فلوریدا)، آقای "خوزه مولینا" انجام داد. در این مصاحبه خانم "کوئینوز" معاون فرماندهی جبهه آزادیبخش ملی، در شهر لئون نیز حضور داشت. در زیر بخشهایی از این مصاحبه را به اطلاع خوانندگان عزیز می رسانیم.

س- نقش وحدت را در جنبستان چگونه می بینید؟ آیا کلیه نیروهای سیاسی کشورتان واقعا خواهان این وحدت هستند؟ در پیروزی شما این وحدت چه نقشی داشت؟

ج- وحدت کلیه نیروهای سیاسی متشکل در جبهه آزادیبخش ملی ساندینستیها فقط به خاطر یک هدف صورت گرفت و آن هم سرگونی رژیم دیکتاتوری سوموزا و جلوگیری از تجاوز و مداخله امپریالیست در نیکاراگوئه بود. اکنون به خاطر امر نو سازی کشور، وحدت این نیروها باید ادامه پیدا کند زیرا رشد و بقای آن ما را به اوضاع کنونی بعد از انقلاب مسلط ساخته و پیروزیهای بیشتری را برای میهنمان چه در زمان حال و چه در آینده تضمین می کند. ما می دانیم که مسائل و مشکلات ما بعد از پیروزی انقلاب بسیارند و برای رفع این مشکلات و حل این مسائل تنها یک راه موجود است و آنهم اتکاء به نیروی لایزال خلقهای میهنمان و حفظ و پاسداری از این وحدت موجود بین نیروهاست.

معیارهای درستی در پاکسازی ادارات و موسسات دست یابند. معیارهایی که بتواند تحکیم صفوف وحدت خلق در مقابل ضد خلق وابسته به بیگانه باشد.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

س- همانطور که می دانید، مردم ایران توانستند رژیم شاه را سرنگون کرده و او را فراری دهند. لذا علاقه مندیم که بدانیم شما چه پیامی برای خلقهای ایران دارید تا از طریق نشریه "رنجبر" به اطلاع مردم میهنمان برسانیم؟

ج- پیام من همان پیامی است که از طریق شبکه ملی جبهه آزادیبخش ملی ساندینستی پخش شده است. یعنی حفظ و پاسداری وحدت کلیه نیروهای سیاسی و اقشار و طبقات مختلف خلقی است. زیرا لازمه پیشرفت و ادامه انقلاب، به خاطر حفظ استقلال در هر کشوری که از یوغ امپریالیسم رها شده، وجود وحدت پایدار است. عدم وجود وحدت در صفوف ما راه را برای رخنه و یا بازگشت دو نیروی امپریالیستی بزرگ باز می گذارد. مبارزه با امپریالیستهای گوناگون باید در کلیه زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد. در این مورد به خاطر ثروت عظیمی که کشور شما در زمینه نفت، گاز و سایر منابع طبیعی دارد مسائل و مشکلات شما در زمینه بازسازی میهنتان، باید کمتر از ما باشد. نکته ایراکه الان عرض کردم ناشی از تجربه تلخی است که ما از انقلاب کوبا داریم و گر چه انقلاب کوبا با موفقیت به پیروزی رسید ولی بالاخره امپریالیستها مجدداً در این کشور رخنه کردند، در این مورد مثالهای تاریخی فراوانی موجودند که ما می توانیم از آنها بیاموزیم.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمایید:

بانک ملی ایران

تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۴۵۳۶۸

که بانکی خوانندگان، بنس موسیقی در اداسه ی کار ما دارد. مشکلات مالی ما زیادند و بدون یاری تک تک خوانندگان، این مشکلات از میان برداشته نخواهند شد. هر کس که "رنجبر" را بنویسد خودش میداند وظیفه دارد در حد توانائی اش به آن کمک کند. سیاست ما اتکاء به نیروی لایزال مردم است و به همین خاطر مشکلاتمان را با شما در میان میگذاریم و مطمئنیم که با شما و همراه شما آنها را یک نیک حل خواهیم کرد. در انتظار پاسخ مثبت شما هستیم.

گزارشی از فروش «رنجبر» ...

چند گزارش داریم از فروشندگان رنجبر در شهرستانها که به علت آموزنده بودن و اهمیت سیاسی، تعدادی از آنها را در اینجا می آوریم:

مسجد سلیمان

عدهای از جوان ها، مخلوطی از سر سخنان و نیمه سر سخنان به رهبری دسته اخیر در خیابان راه افتادند و کتاب فروشی ها را تهدید می کردند، بعد به سراغ بساط نشریات کنار خیابان آمدند. ما بودیم و آدمی که نشریه آدرخش توده ای ها را می فروخت و شخصی که توفان می فروخت، بقیه رفته بودند. آدرخش را جمع کردند به ما که رسیدند گفتند از سازمان انقلابی است، اشکالی ندارد و رفتند سراغ توفان و شروع به جر و بحث کردند. روز بعد که مانشریات را پهن کردیم آنها هم پیدایشان شد. همان ترکیب دیروزی و این بار از پاسدارها هم کمک گرفتند به اضافه جوانی که تازه از آمریکا آمده بود و گفت برویم پیش رئیس پاسداران گفتم نشریه ما آزاد است. این مملکت دولت دارد و شما دخالت بی جا نکنید. گفت باید برویم. گفت در کردستان برادرهای ما را می کشند نباید به اینها اجازه بدهیم نشریه بفروشند. توضیح دادم که این مسائل به هم مربوط نیست. با دو پاسدار و دو نفر دیگر رفتیم به طرف پاسدار خانه. حدود ۲۵۰ نفر جمع شده بودند.

رئیس پاسدارها برخورد خوب به من کرد، به حرفهایم گوش داد و نشریه ها را نگاه کرد. دعوت کرد بنشینیم و بحث کنیم گفتم سر فرصت، در مورد جزوه خرمشهر صحبت شد و بعد موضع سازمان انقلابی را روشن کردم، بعد یک رنجبر شماره ۲۱ و جوانان انقلابی خرید و آمدیم در خیابان هنوز بچه ها جمع بودند.

بعد از رفتن ما به پاسدارخانه بچه های اسلامی مبارز جمع می شوند و می روند پیش فرماندار و از او می خواهند که تلفن کند تا از من رفع مزاحمت شود، و فرماندار هم که از موضوع ناراحت شده تلفن می کند. روز بعد نشریاتمان را بی درد سر پهن کردیم. بچه های مختلف می آمدند و جویای اوضاع می شدند، بخصوص بچه های مبارز اسلامی که از موضوع دیروز دلخور بودند می گفتند خودمان هوای تو را داریم.

تبریز

هنگام فروش رنجبر در راه آهن تبریز پاسبانی به دلیل اینکه قیافه و شکل

دادند. ما سعی کردیم فائعشان کنیم که کار با درستی می کنند ولی فائع شدند نبودند. خواستند با ما گلاویز شوند. چند نفر از مردم نگذاشتند. یکی از این سر سخنان مردم را هم به باد فحش گرفت. از مظالم داران اطراف و عده های دیگر از مردم ریختند سرشان و حسابی آنها را کتک زدند. بعد معلوم شد که مردم این چند نفر را از قبل می شناختند و دل خونی از دست آنها دارند. یکی از آنها هفته پیش هم در دانشگاه کتک خورده بود. یکی از مظالم داران می گفت اینها چند نفرند و هر روز در این مسیر می گردند و شلوغ می کنند. حدود ۵۰۰ نفر جمع شده بودند.

بعد از نیم ساعت افراد یک کمیته سر رسیدند. این کمیته هم شهرت زیاد خوبی در بین مردم ندارد. به من گفتند که باید برویم کمیته. یک مامور دیگر کمیته از زیر پیراهنش یک میله آهنی در آورد و به یکی از آن سر سخنان داد و خیال داشت قبل از رسیدن به کمیته زهر چشمی از من بگیرد ولی مردم نگذاشتند. در این هنگام چهار راه شهناز سابق از انبوه جمعیت پر شده بود. جمعیت در حالی که دنبال ما به طرف کمیته راه افتاده بودند مرا به داخل محل کمیته بردند و مردم به دفاع از من و یک نفر دیگر که دستگیر شده بود همچنان در بیرون جمع بودند. در آنجا تازه فهمیدم خود آنها تیکه با مردم دعوا کرده بودند مامور کمیته هستند و یکی از آنها کلید زندان کمیته را هم دارد. رئیس کمیته هم بدون آنکه بیسرد چرا مرا گرفتند دستور داد زندانی ام کنند. تمام جیب هایم را گشتند و مرا در انبار انداختند.

مردم همچنان در بیرون همه می کردند و ماموران کمیته مرتب گلنگدن مسلسل را می کشیدند تا آنها بترسند و متفرق شوند.

یکی از مامورین کمیته که پسر جوانی است و لباس کابوئی پوشیده و هفت تیر بسته بود در را باز کرد و به طرف من حمله کرد که او را پرت کردم طرف دیوار یکی دیگر آمد و با تحکم پرسید تو کونیستی؟ خیلی محکم جواب دادم بله کونیستم چطور مگه؟ جا خورد و گفت هیچی فقط پرسیدم.

یکی از آنها تیکه دعوا کرده بود در جیبم کارت کارگری مرا دید آمد به من گفت من نوکر کارگر ها هستم و آنها را دوست دارم ولی دوستهای تو تا مردی کردند و ما را کتک زدند. خلاصه سر صحبت باز شد و در عرض نیم ساعت ۱۸۰ درجه تغییر کردند. احساس کردم که جوان های صادق و خوبی هستند ولی نا آگاه اند و از احساسات آنها سوء استفاده می شود. یکی از آنها گفت من مسلمان واقعی هستم و با تو کاری نداریم. خلاصه با شناختن صداقت سازمان مابی خبر

شوروی ..

کم درآمد ابراز عقیده میکند که "مؤسساتی که کارشان خوب پیش نمی رود باید از نظر پرداخت وام تحت محدودیت های باز هم بیشتری قرار گیرند تا اینکه مجبور شوند کمبود هایشان را بسرعت از میان بردارند" (مجله "مسائل اقتصادی" شماره ماه مارس ۱۹۷۲، صفحه ۹۰) این متخصصین اقتصاد البته اهمیتی نمیدهند که "سودآور" نبودن یک مؤسسه بدلیل بدی مدیریت است یا مخارج ضروری تولید و اهمیتی نمیدهند که محصول این مؤسسه تا چه حد مورد نیاز جامعه بطور کلی است. همینقدر که مؤسسه ای "سودآور" نباشد یعنی میزان سودی که تولید میکند زیر حد متوسط باشد حق حیات خود را از دست میدهد. این مؤسسات هم بسختی میتوانند وام بگیرند و هم اینکه بانک با شرایط بسیار مشکلتی و با بهره خبیلی بیشتری با آنها وام میدهد. باین ترتیب نقش بانک مرکزی شوروی عملاً این است که از یک طرف آن مؤسساتی را که زیاد سودآور نیستند تحت فشار قرار داده و رو به نابودی یا ادغام با دیگر مؤسسات ببرد و از طرف دیگر با فراهم کردن سرمایه زیاد و با بهره نسبتاً کم برای مؤسسات سود آور شرایط رشد سریعتر آنها را فراهم کند. باین ترتیب مؤسسات کوچکتر بتدریج از بین میروند و مؤسسات بزرگتر و غنی تر مرتباً بزرگتر و فربه تر میشوند. یعنی مثل تمامی کشورهای سرمایه داری دیگر، در شوروی نیز بانکها سبب تمرکز هر چه بیشتر سرمایه میشوند.

اما در رابطه با بانکها، مشکل امپریالیسم در شوروی با سایر امپریالیستهای موجود در زمان حال تا حدودی فرق دارد. در کشورهای امپریالیستی غربی کلیه مؤسسات صنعتی و حتی بزرگترین انحصارات، برای توسعه کار سرمایه گذاری خود تا حد بسیار زیادی به بانکها متکی هستند. مثلاً در ایالات متحده آمریکا در حدود یک سوم کلیه وجوه مصرف شده برای سرمایه گذاری شرکت های خصوصی در سالهای اخیر از بانکها دریافت شده اند. این وابستگی به سرمایه بانکی در اروپای غربی در سالهای اخیر در حدود ۵۰ درصد بوده است و در ژاپن در حدود ۷۰ درصد. اما میزان این وابستگی (صنایع بزرگ به بانکها) در شوروی بطور نسبی بسیار کم است. مثلاً در سال ۱۳۴۹ وامهای کوتاه مدت دریافتی از بانک در حدود ۴۴ درصد و وامهای دراز مدت در حدود ۳/۳ درصد از کل سرمایه گذاریهای مؤسسات شوروی را تشکیل میدادند (رجوع شود به مجله مسائل اقتصادی شماره فوریه ۱۹۷۵، صفحه ۶۱) این مقدار بخصوص در رابطه با وامهای دراز مدت که معمولاً بصرف سرمایه گذاری میرسد نسبت به کشورهای امپریالیستی کنونی بسیار ناچیز است. علت این موضوع تا آنکه بسیار زیادی است که دولت شوروی تحت عنوان "افزایش بازدهی کار" بر استعمار کارگران گذاشته است. آقای بورین گوین در این مورد میگوید "درآمدی که مؤسسات صنعتی از فروش محصولاتشان بدست می آورند در اکثر موارد آنقدر زیاد است که نه تنها مخارج تولید را تأمین میکند بلکه ... تا حدود زیادی مخارج سرمایه گذاری بعدی بمنظور گسترش مؤسسات را نیز تأمین مینماید" (رجوع شود به کتاب "چگونه باید کارایی مدیریت سوسیالیستی را افزایش داد" چاپ مسکو، سال ۱۹۷۳، صفحه ۱۰۵). این اتکاء مؤسسات تولیدی بخود که ظاهری خوب دارد در واقع نشانه یکی از خشن ترین و سخت ترین سیستم های استعماری امپریالیستی است. وقتی یک مؤسسه تولیدی که اساس کارش بر بدست آوردن "سود" بیشتر قرار داده شده چنان بازدهی بدست می آورد که مخارج سرمایه گذاری خود را تأمین میکند این نشانه تأخیر یکی از چند عامل زیر و پا مجموعه ای از آنها است. یا از مخارج سرمایه گذاری بشکلی کاسته شده یا ساعات کارگران را افزایش پیدا کرده، یا کارگر را مجبور کرده اند شدیدتر کار کنند، یا حقوق کارگران را کم کرده اند و یا چیزهایی از همین نوع.

یک نمونه خیلی خوب چنین سیستم امپریالیستی، امپریالیسم آلمان در دوران حکومت هیتلر است. در آغاز حکومت حزب نازی برهبری هیتلر در آلمان سرمایه داری در این کشور مشابه با سایر کشورهای امپریالیستی رشد کرده بود و تعداد کثیری از مؤسسات صنعتی تحت تسلط بانکدارهای بزرگ درآمد یافته بودند. صاحبان صنایع وضع موجود را مانع پیشرفت کار تولیدی عنوان میکردند و بانکداران نیز که سرمایه های کلانی را در صنایع بکار انداخته بودند و در صورت ورشکستگی صنایع دچار ورشکستگی میشدند از اوضاع آشفته اقتصادی مؤسسات صنعتی ناراحت بودند. دولت فاشیستی هیتلر این مسئله را با پیش گرفتن سیاست ایجاد استقلال نسبی صنایع از بانکها حل کرد. اقدامات دولت فاشیستی هیتلر عبارت بودند از: کم کردن مالیات بر درآمد مؤسسات صنعتی، ادغام کردن بسیاری از مؤسسات کوچکتر و ایجاد انحصارات صنعتی بزرگتر و بالاخره و مهمتر از همه افزایش تولید کارگران با زور و فشار. دولت فاشیستی کلیه حقوق دمکراتیک کارگران را منقضی کرد. اعتصاب کردن غیر قانونی شد. کلیه اتحادیه های کارگری که در کنترل حزب فاشیست نبودند منحل و غیر قانونی اعلام شدند. نیروهای نظامی برای سرکوبی کلیه مقاومت های کارگران، مورد استفاده قرار گرفت و از کلیه فعالیتهای سیاسی کارگران بشدت جلوگیری شد.

هنگام فروش رنجبر در راه آهن تبریز پاسبانی به دلیل اینکه قیافه و شکل روزنامه فروشها را ندارم مرا به پاسگاه راه آهن جلب می کند، در پاسگاه بعد از بحث روی مواضع رنجبر، دوستان توضیح دادند که این عمل پاسبان با معیار درستی نیست

دو ابر قدرت...

بر طبق ارقام ناقص، سرمایه‌هایی نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار در جهان سوم دارد. چنانچه سرمایه گذاریهای شوروی در اروپای شرقی نیز به حساب آورده شود، رقم سرمایه گذاریهای خارجی شوروی به مراتب بیشتر خواهد بود.

هر کدام از دو ابر قدرت تولید کننده و مصرف کننده عمده مواد خام و مواد استراتژیک مانند نفت، زغال سنگ، فولاد و سیمان و غیره‌اند. تولید نفت امریکا حدود ۴۰۰ میلیون تن و روسیه شوروی حدود ۶۰۰ میلیون تن است. هر کدام نزدیک به صد میلیون تن ذغال سنگ کوک و بیش از ۱۰۰ میلیون تن فولاد و در حوالی صد میلیون تن سیمان تولید و مصرف می کنند. هر دو کشور صاحب مناطق وسیعی از جهان اند، شوروی بزرگترین و امریکا سومین کشور بزرگ دنیا با منابع فراوان و نیروی انسانی قابل ملاحظه‌ای می باشند. (آمار همانجا)

از لحاظ نظامی، هزینه‌های نظامی دو ابر قدرت در سال ۱۹۷۶ معادل ۶۰٪ کل هزینه‌های نظامی جهان بود. در حالی که هزینه نظامی بقیه کشور های امریکالیستی رویهم معادل ۲۱٪ و تمام کشورهای جهان سوم معادل ۱۹٪ کل هزینه‌های نظامی جهان را تشکیل می داد. (آمار "تحقیقات استراتژیک" سال ۱۹۷۷)

۷۰٪ کل فروش اسلحه جهان در اختیار این دو است. رویهم ۱۲ هزار بمب هسته‌ای و ۶ میلیون سرباز و نزدیک به پنج هزار موشک قاره پیما و بیش از ۶۰ هزار تانک و چند ده هزار هواپیمای نظامی در اختیار دارند.

بدین سان آمار و ارقام نشان میدهد که امریکالیسم امریکا و سوسیال امریکالیسم شوروی دو ابر قدرت امریکالیستی اند که سایر امریکالیستها در مقایسه با آنها در رده‌های چهارم و پنجم قرار می گیرند. هر کدام از دو ابر قدرت نه تنها از لحاظ اقتصادی بلکه از لحاظ نظامی نیز به سراسر جهان پنجه افکنده‌اند و قادر به بر پا کردن یک جنگ جهانی اند. در حالی که بررسی کوتاهی نشان می دهد که کشورهای امریکالیستی دیگر

نیاید بگذاریم اتمسفر نا سالم شود و در دام جنجال ها نیفتیم.

در خیابان شهناز شمالی سابق تبریز نشریات و کتابهای سازمان انقلابی را پهن کردیم. بعد از ساعتی، دو سه نفر از سر سخنان معلوم الحال آمدند و به مافش

چنین امکانی را در اختیار ندارند. این دو ابر قدرت بزرگترین استثمارگران جهان اند - ما به قدرت مالمی و اقتصادی این دو اشاره کردیم. سرمایه داران امریکایی علاوه بر چابیدن آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، اروپا و ژاپن و کانادا را نیز غارت می کنند. مثلاً "در سال ۱۹۷۷ مقدار سرمایه امریکایی در اروپا بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار می شد. در سال ۱۹۷۶ سود امریکالیسم امریکا از این سرمایه گذاری هنگفت ۲۲/۴ میلیارد دلار بود. امریکالیسم امریکاییانه میلیاردها دلار نیز به صورت سود در تجارت جهانی خود بدست می آورد.

شوروی نیز با کنترل بخش بزرگی از بازار، سرمایه و کالای اروپای شرقی و تمرکز سرمایه گذاریهایش صورت اعتبارات و وام های مختلف در این کشور ها، سود های کلان انحصاری به جیب می زند. شوروی از طریق خرید ارزان مواد خام کشورهای جهان دوم و فروش گران این مواد به کشورهای دیگر سودهای هنگفتی نصیب خود می نماید. شوروی در سال ۱۹۷۴ تنها ۱/۳ میلیارد دلار سود از این طریق بدست آورده است. شوروی همواره تلاش دارد از موضع تحمیل خواسته‌های خود وارد معامله گردد. مثلاً هر تن میوه خشک افغانستان را ۱۲/۴۰ افغانی خریداری میکند و آنرا به ۲۸ افغانی به امریکا و ۳۰ افغانی به هند می فروشد. و یا در خرید نفت از عراق از نیاز این کشور به اسلحه سو استفاده کرده و در سال ۱۹۷۳ حجم معینی نفت این کشور را به قیمت ۶ میلیون لیره استرلینگ خریده و به قیمت ۱۸ میلیون لیره استرلینگ به آلمان غربی فروخت.

در کشورهای اروپای شرقی عضو کمون وضع از همین قرار است. در حالی که در سال ۱۹۶۰ سهم شوروی در کل تولیدات این کشورها ۶۹/۵ در صد بود. در سال ۱۹۷۰ این سهم به ۷۶ در صد رسید در عوض سهم کشورهای دیگر کاهش یافت.

شوروی از طریق اعتبارات گوناگون، ۲۷ کشور آفریقایی را بر مبنای "تقسیم کار بین المللی" (یعنی جهان سوم مواد خام تولیدکننده و شوروی کالای صنعتی) و ۲۰ کشور دیگر آفریقا را تحت عناوین دیگر می چاید

سوء استفاده می شود. یعنی از آنها نصیبی نداریم. مسلمان واقعی هستم و با توکاری نداریم. خلاصه با شناختن صداقت سازمان مابقی خبر از بقیه ما را آزاد کردند و تا چهارراه شهناز ما را بدرقه کردند.

با هم روبروسی و خداحافظی کردیم. حالا با چهار نفر شان سلام و علیک داریم.

اکنون این غارت با غلبه شوروی در آنگولا اتیوپی افزایش نیز یافته است.

شوروی در آسیا با بیش از ۱۷ کشور روابط استعماری دارد. نمونه آن کشور خودمان است که منابع عظیم گاز طبیعی آن را شوروی به غارت می برد. سرمایه انحصاری شوروی در آسیا ۳ صنایع ماشینی، ۱ پالایشگاههای نفتی، ۱ صنایع آهن و فولاد،

۲ صنایع الکتروکنیکی، و ۱ تولید برق هندوستان را تحت کنترل دارد. و این یک نمونه از روابط غارتگرانه سوسیال امریکالیسم شوروی با کشورهای جهان سوم است.

در امریکای لاتین نیز وضع در همین حدود است. بطوریکه به عنوان مثال در کشور کوبا هر فرد کوبایی ۷۰۰ دلار به اتحاد شوروی مقروض است و هر ساله باید بعنوان بهره بدهگاریش به شوروی باج بدهد.

این دو ابر قدرت بزرگترین مداخله گران در امور داخلی کشور های دیگر جهانند.

فقط کافی است به سپاه تار هر کدام در ده سال گذشته بنگریم. امریکا به دنبال ویتنام به کامبوج و لاوس لشکر کشید. نیروهای نظامی خود را در تایوان، ژاپن، کوام، فیلیپین و ... نگهداشت. در شیلی کودتای نظامی بر پا کرد. در تایلند پس از سرنگونی نظامیان مجدداً کودتای نظامی بر پا کرد. در امور کشورهای ساحلی خلیج فارس از طریق رژیم سرنگون شده شاه دخالت کرد. در عراق به دست شاه و از طریق ملا مصطفی بارزانی دخالت کرد. از طریق صهیونیستها و فلانزیستها در لبنان دخالت نمود. در آنگولا دخالت کرد، از نژاد پرستان آفریقایی جنوبی و رودزیا پشتیبانی نمود. در پاناما از پس دادن کانال پاناما که جزء خاک پاناما است خودداری ورزید و حتی در امور داخلی کشورهای اروپایی مانند ایتالیا نیز دخل و تصرف کرد.

شوروی به چکسلواکی لشکر کشید امور کشورهای اروپای شرقی را با زور در دست خود نگهداشت. در آفریقا از طریق سربازان

اعتصاب کردن غیر قانونی شد. بنیادهای رسی - روسی نبودند منحل و غیر قانونی اعلام شدند. نیروهای نظامی برای سرکوبی کلیه مقاومتها کارگران مورد استفاده قرار گرفت و از کلیه فعالیتها سیاسی کارگران بشدت جلوگیری شد. باینطریق کارگران آلمان و آدار شدند که با زور دولت فاشیستی بیشتر کار کنند، کمتر مزد بگیرند و باینطریق آنقدر برای صاحبان صنایع سود تولید کنند که این سرمایه داران دیگر چندان محتاج به کمک گرفتن از بانکها برای توسعه کار خود نباشند. باینطریق با زور بقیه در صفحه ۴

کوبایی و مستشاران نظامی خود در کشورهای آنگولا، اتیوپی و صحرای اوگاندا دست اندازی کرده، در سودان چندین بار توطئه کودتا چید. در مبارزه اعراب و فلسطینیها علیه صهیونیسم دخالت و خرابکاری کرد. بحمایت توسعه طلبان هند در تجزیه پاکستان برخاست. به آتش جنگ داخلی لبنان دامن زد. دوبار در افغانستان کودتا نمود. در یمن جنوبی کودتای نظامی کرد و به حمایت از حمله نظامی توسعه طلبان ویتنامی به کامبوج برخاست. علاوه بر همه اینها شوروی در اکثر کشورها از طریق احزاب وابسته به خود، به مثابه یک نیروی فعال در امور داخلی کشورهای دیگر حضور داشته و اختلال می کند. در این جا به فعالیتها گسترده سازمان جاسوسی شوروی نمی پردازیم.

هیچیک از دو ابر قدرت منکر این دخالتها نبوده و خود مدعی اند که همه مسائل جهان به آنها مربوط می شود و مسائل جهان باید بدست آنها "حل" شوند. و با همین منطق است که شوروی هفتصد هزار آمریکایی ۴۰۰ هزار سرباز همراه با هزاران تانک و هواپیما و غیره در خاک کشورهای دیگر مستقر نموده‌اند.

آنان جنگ افروزان اصلی اند - دیگر به ارقام و آمار رجوع نمی کنیم تا نشان دهیم زرادخانه‌های نظامی آنان، وسعت نیروهای نظامی آنان، پایگاههای نظامی آنان در خارج از خاک خود چقدر است. تنها می گوئیم آیا می شود دو کشور ۶۰٪ هزینه‌های نظامی جهان را به خود اختصاص داده باشند و آن را هر روز افزایش دهند ولی در پی جنگ نباشند؟ موشکهای قاره پیمای آنان به سراسر جهان می رسد. چندین هزار هواپیمای نظامی آنان در مرزهای آنان در خاک کشورهای دیگر مستقر شده‌اند. صدها هزار سرباز در کشورهای دیگر مستقر کرده‌اند. کشتیهای جنگی شان در سراسر آبهای جهان در حرکتند و اتفاقاً درست مانند جنگ افروزان قبلی بیش از هر کس دیگر راجع به صلح صحبت می نمایند و کنفرانس می گذارند.

اعتصاب کردن غیر قانونی شد. بنیادهای رسی - روسی نبودند منحل و غیر قانونی اعلام شدند. نیروهای نظامی برای سرکوبی کلیه مقاومتها کارگران مورد استفاده قرار گرفت و از کلیه فعالیتها سیاسی کارگران بشدت جلوگیری شد. باینطریق کارگران آلمان و آدار شدند که با زور دولت فاشیستی بیشتر کار کنند، کمتر مزد بگیرند و باینطریق آنقدر برای صاحبان صنایع سود تولید کنند که این سرمایه داران دیگر چندان محتاج به کمک گرفتن از بانکها برای توسعه کار خود نباشند. باینطریق با زور بقیه در صفحه ۴

به غیر از آن به نقاط مختلف جهان که در آنها جنگ در جریان است بنگریم. در آسیای جنوب شرقی، این مستشاران و افسران و سلاحهای روسی اند که همراه ارتش ویتنام خاک کامبوج را زیر و رو می کنند. در اتیوپی، در شاخ آفریقا، در آنگولا سر و کله چند هزار افسر و مستشار روسی پیدا است. مستشاران و سلاحهای روسی در هر در گیری نظامی در دنیای کنونی حاضرند.

در عوض مزدوران سفید پوست امریکایی در صحنه‌های جنگهای آفریقا در گیرند و امروزه امریکا صحبت از ایجاد یک ارتش ضربتی صد هزار نفری برای مناطق خلیج فارس می کند. این دو ابر قدرت ۷۰٪ در صد سلاحهای صادراتی جهان را تامین میکنند. برای کنترل مناطق استراتژیک جهان، از باب المندب، کانال سوئز، باب بفسر، جبل الطارق، شمال نروژ تا خلیج فارس، دماغه امید تنگه مالاگا و غیره و غیره سخت در تلاش اند. سفاهت محض خواهد بود اگر قبول کنیم که همه اینها در دفاع از خود است و نه برای جنگ افروزی. آخر چه کسی آنها را تهدید به تجاوز می کند؟ ادامه دارد

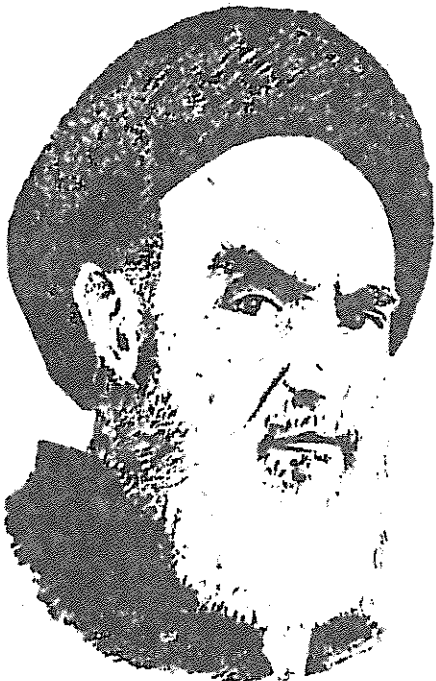
توجه

از اول مهر ماه ۱۳۵۸ دفتر رنجبر به نشانی زیر منتقل خواهد شد:

تهران - خیابان مصدق، پانزین تراز میدان ولی عصر، خیابان زهره

پلاک ۷

دعوت امام به وحدت، تکیه ب مردم و فنوسازی روشنفکران



سیندینیم ، فکر کنیم و قلم بدست بگیریم و خیال خودمان تحلیل کنیم ، ما باید مطالعه در حال ملت کنیم . . . انگیزه های علمی و بومی غیر از انگیزه های واقعی محسوس است .

امام بدرستی در اینجا بر یکی از برجسته ترین کمبودها و انحرافات جنبش روشنفکری ایران انگشت می گذارد . کمبودها و انحرافات که نه تنها باعث شده بخش بزرگی از روشنفکران نتوانند تحلیل صحیحی از اوضاع کنونی ایران و انقلاب اسلامی ملت بدست دهند بلکه بر همین پایه آنان با نتیجه گیریهایی صرفاً "ذهنی و بسدور از واقعیت ، عملاً" چنان راه حل هایی پیش پای مردم بگذارند که خواسته یا ناخواسته با سیاب دشمنان انقلاب ایران آب بریزد و نافی منافع و اراده ملت باشد .

تئوری انقلابی ، تاریخ و تجربه کنونی بارها ثابت کرده که حرکت نکردن از منافع ، خواسته ها و سطح نوده ها عملاً "حاصلی جز جدایی از آنان و پاگداردن در مسیر انفراد بقیه در صفحه ۴

عفته گذشته امام خمینی رهبرانقلاب اسلامی ایران با درایت و روئس بینی رهنمودهایی برای ارساد قاطبه ملت مخصوص افشار متفکر جامعه و در جهت حل معضلات و بیسرفت انقلاب ارائه نمودند .

حکیده این رهنمودها و آموزشها را که بنظر ما اصولی است و راه گسای بسیاری از مشکلات مربوط به نارسایی ها و تعارضات درون صفوف ملت ، از خلال سخنان امام در اجتماع بزرگ مردم در مدرسه فیضیه قم بازگو میکنیم . در این اجتماع که بمناسبت بزرگداشت مجاهدنستوه و یکی از برجسته ترین نمایندگان اسلام مبارز در تاریخ معاصر ایران - حضرت آیت الله طالقانی - برگزار گردید ، امام خمینی ضمن یادآوری از نقش بزرگ آیت الله طالقانی و تشریح انگیزه های ملت در قردردانی حماسه آفرین و تاریخی از این شخصیت مبارز ، سخنان خود را با موضوع جدایی بخشی از روشنفکران از توده های مردم و ذهنی گری آنان در تحلیل از پدیده ها آغاز کردند . رهبر انقلاب در این باره گفتند : "مادر تحلیلات نباید میان یک اطاق در بسته

شوروی :

کشوری امپریالیستی

بانکهای شوروی (۲)

۲- تمرکز سرمایه

مارکس در کتاب "سرمایه" میگوید که در یک کشور سرمایه داری نقش بانکها "تشدید و تسریع جریان تمرکز سرمایه است" (سرمایه ، جلد سوم ، صفحه ۴۳۹ ترجمه چاپ انگلیسی) و لنین در کتاب "امپریالیسم یمنابه بالاترین مرحله" سرمایه داری "توضیح میدهد که همین تمرکز سرمایه که توسط بانکها بانجام میرسد بتدریج سبب ایجاد انحصارها میشود . او میگوید "تاریخ پیدایش سرمایه مالی و مضمون این مفهوم عبارتست از : تمرکز تولید ؛ تشکیل انحصارهایی که در نتیجه رشد این تمرکز بوجود میآیند . در آمیختن و جوش خوردن بانکها با صنعت" (لنن آثار منتخب ، یک جلدی بفارسی ، صفحه ۵۶۵) اینکار چگونه انجام میشود ؟ لنن در کتاب "امپریالیسم . . ." این مطلب را مفصلاً توضیح داده و نشان میدهد که چگونه بانکها با در اختیار داشتن سرمایه شرکتهای تجاری و صنعتی و اعمال نفوذ و سرمایه گذاری در رشته های مختلف صنعتی بتدریج سبب میشوند که شرکتهای کوچکتر که سود آوری کمتری دارند یا از بین بروند و یا در شرکتهای بزرگتر که تحت کنترل این بانکها هستند ادغام شوند . باین ترتیب سرمایه بتدریج تمرکز بیشتری یافته و در انحصار تعداد معدودی سرمایه داران بزرگ درمیآید ، رقابت آزاد بین سرمایه داران از بین میرود و سرمایه داری انحصاری جایگزین آن میشود .

حالا ببینیم در یک کشور سوسیالیستی بانکها چگونه عمل میکنند . بعنوان مثال کشور شوروی در دوره لنن و استالین رادر نظر میگیریم در دوران استالین سرمایه گذاری در رشته های مختلف صنعتی و غیره بر اساس نیازهای کوتاه مدت و طولانی مدت جامعه بعنوان یک واحد کل بود . بنابراین آنچه که همیشه مورد توجه بانک مرکزی دولتی قرار داشت بدست آوردن "سود" برای کسی نبود بلکه کمک به تولید کردن آن چیزهایی بود که جامعه بآن نیاز میرم داشت . نتیجه این کار این بود که مثلاً "اگر جامعه به محصولی محتاج بود که مخارج زیادی داشت و تولید آن سود چندانی بدست نمیداد بانک مرکزی حکومت سوسیالیستی سرمایه لازم را برای آن تأمین میکرد .

همانطور که قبلاً گفتیم (رنجبر - شماره ۲۶) بانک مرکزی کلیه سرمایه اضافی مؤسسات صنعتی شوروی را در اختیار داشت و بنابراین به آسانی میتوانست مقداری از وجوه دریافتی از یکی از رشته های صنایع دیگر را که درآمد نسبتاً زیادی داشت به این رشته که طبعاً درآمد چندانی نداشت اختصاص دهد . بدین ترتیب نقش بانک در واقع توزیع درآمد مؤسسات پر درآمد در میان مؤسسات کم درآمدی ضروری برای جامعه بود . ولی بعد از باصلاح اصلاحات اقتصادی پرتوف - کاسیکین (۱۳۴۴) اوضاع بکلی عوض شد . حالا بانکها و مدیران آنها در "سود" کارخانجات و مؤسسات صنعتی سهمیم بودند . مدیران این کارخانه ها از "سود" مؤسسات تحت "مدیریت" خودشان سهم میبردند و بخشی از این "سود" را هم تحت عنوان "بهره" وامهای دریافتی به بانک مرکزی میدادند . این "بهره" همان "سود" بانک را تشکیل میداد . از آنجا که مدیران بانک در سود بانک سهمیم بودند پس در واقع در سود مؤسسات صنعتی شریک بودند و بهمین دلیل همیشه علاقمند بودند که سود مؤسسات صنعتی وام گیرنده بیشتر شود تا "بهره" وامها از بین برود و آنها بتوانند سهم خود را از آن دریافت کنند . بدین ترتیب آنها هم شریک در "سود" مؤسسات صنعتی بودند و هم مشوق بهره کشی بیشتر از کارگران . اسوشنیف ، رئیس بانک مرکزی شوروی در سال ۱۳۵۰ در اینباره نوشت : "بانک فعلاً در صدد تسریع افزایش بازده کارگران است . وقتیکه بانک میخواهد به مؤسسه ای اعتبار بدهد از ضروریات است که آن را و دارد که کارایی سرمایه اش را بالا برد ، مخارج

محکومیت روسیه و رژیم توه کی

سرنوشت قطعی افغانستان ، رهائی از سلطه سوسیال امپریالیسم است . هفته نامه جبهه ملی ایران در راه "اتحاد بزرگ" در شماره ۳۱ پنجشنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۸ طی مقاله ای درباره افغانستان و دخالت های روسها در این کشور ، به دفاع از مبارزات خلق دلاور و برادرمان افغانستان پرداخت و در مقابل مداخله گران روسی و نوکرشان نور محمد تره کی با صراحت و قاطعانه موضعگیری نمود . در این هفته نامه میخوانیم :
"سرانجام نارضای عمومی بیش از فشار و خفقان حاکم بر افغانستان که از سوی نور محمد تره کی و دستیاران سوسیال بقیه در صفحه ۲

مدار اجوئی و توجیه شوروی محکوم است

سیاست نا درست مدارا جوئی در قبال امپریالیسم روس است . مساله دخالت ابر قدرت روس در حوادث کردستان و وابستگی دار و دسته رهبری فطلی حزب دمکرات به روس ها برای بسیاری از صهیونیستهاست . و صهیونیستها برای بر هم زدن دوستی ایران و شوروی دار و دسته قاسملو و حزب دمکرات را وابسته به روسها جلوه داده اند . ما در اینجا می خواهیم دونگته را بطور مختصر متذکر شویم
* اظهارات آقای سفیر با واقعیات تطابق ندارد .
* علت مطرح کردن این نظرات از طرف آقای مکر و یا فشاری بر روی آنها ، نتیجه

منتشر شد

جوانان انقلابی

تصمیمات امیدبخش شورای انقلاب

شورای انقلاب اسلامی در هفته گذشته لوابجی را به تصویب رساند که از میان آنها دو لایحه مربوط به لغو قانون و قرار داد استخدام نظامیان آمریکائی و پاکسازی ادارات و مؤسسات دولتی از تصمیمات بسیار ضروری و مثبت است .



بیشتر به ایران سرازیر می‌شوند و موافقت نامه‌های استعماری در زمینه‌های مختلف نظامی بتصویب می‌رسد و امریالیسم آمریکا را بصورت حاکم بلا منازع ارتش ایران در آورده بود.

لغو این قرار داد یک ضربه دیگر بر وابستگی نظامی ایران به امریالیسم آمریکا بوده و قدم مهمی در جهت تاءمین استقلال کشور است. از آنجاکه نفوذ استعمار در ایران تنه‌ای نفوذ نظامیان آمریکا خلاصه نمی‌شود، برای تحکیم هر چه بیشتر استقلال ایران و تاءمین سیاست عدم تعهد باید تمام روزه‌های نفوذ امریالیست‌ها را بطور کلی و دو ابر قدرت بقیه در صفحه ۶

استخدام نظامیان امریالیست و پادسازیدادرات و موسسات دولتی از تصمیمات بسیار ضروری و مثبت برای تحکیم و پیشروی هر چه بیشتر انقلاب بود.

در مورد لایحه مربوط به لغو قانون استخدام و قرار داد استخدام نظامیان امریکائی ماده واحده‌ای بتصویب شورای انقلاب رسید که بر اساس آن قانون اجازه استخدام عیثی از افسران و درجه داران ارتش آمریکا مصوب سال ۱۳۲۲ (۱۹۴۳) و قرار داد بین ایران و آمریکا منعقد در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) لغو گردیده است.

قانون مذکور و بویژه قرار داد سال ۱۳۲۶ پایه نفوذ استعماری امریالیسم آمریکا

اعتبار بدهد از ضروریات است که آن را وا دارد که کارایی سرمایه‌اش را بالا برد، مخرج تولید را پائین آورد، سود کار تولیدی را افزایش دهد و آن کارهایی را که سودآور نیستند حذف کند (رجوع شود به مجله "باتکدار" شماره دسامبر ۱۹۷۱، صفحه ۱۴۷۹) این طرز فکرسبب شده که مدیران شیبات بانک سرمایه بانکرا به آن رشته‌های تولیدی اختصاص دهند که سود بیشتری داشت. اقتصاد دان شوروی بنام آقای کولی کف در مقاله‌ای توضیح میدهد که چگونه در شوروی "دادن اعتبار به موءساتی که نسبتاً کم درآمد شده‌اند محدود شده است" ("مجله مسائل اقتصادی"، فوریه ۱۹۷۵، صفحه ۶۱) آقای شور متخصص امریالیستی شوروی مینویسد موءساتی که نسبتاً کم درآمد هستند باید "باز سازی" بشوند بطوریکه قادر باشند به بانک مرکزی "سود بدهند". از توضیحات این آقای متخصص بخوبی روشن است که منظور از این "باز سازی" در واقع ادغام این موءسات در موءسات سودآورتر است. (رجوع شود به مجله "مسائل اقتصادی" شماره اکتبر ۱۹۷۲، صفحه ۷۵) آقای پسل یک اقتصاد دان دیگر شوروی در باره سختگیریهای پرداخت وام به موءسات بقیه در صفحه ۷

گزارشی از زندان سنندج

سیاست بودیم. گفت اعلامیه ندادید. گفتیم که دادیم، ۰۰۰ کم کم فهمیدم که این پاسدار مسالهاش چیز دیگر است و بالاخره آخر سر گفت که خروشچف را می‌شناسی ما طرفدار او هستیم. گفتیم من این حرف را فقط از تو قبول دارم نه از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معلوم شد که مساله چین را پیراهن عثمان کرده‌ای چون داشتم از دو ابر قدرت حرف می‌زدیم. گفتیم بنشینیم و بحث کنیم که از اطاق رفت بیرون. باز جو و دیگران هم از دست او عصبانی شده بودند.

عصر خیلی از پاسدارها رفته بودند برای راه پیمائی ۱۷ شهریور. ما آنجا دلمان گرفته بود. می‌خواستیم در این راه پیمائی شرکت می‌کردیم. هر کدام در گوشه سلول مان نشستیم. همان پاسداری که طرفدار خروشچف بود. مرتب می‌آمد به اطاق من و اسم مرا می‌برد و می‌گفت یک ساعت دیگر تیر باران میشود. بعد از مدتی هم آمد و گفت که حکم اعدامت صادره شده و هر وصیتی داری بکن. تا شب رفتار چند پاسدار با ما بد بود، فحش‌های رکیک هم می‌دادند.

شب پاسدارها از راه پیمائی برگشتند. دو تا از آنها به اطاق من آمدند و با هم صحبت می‌کردیم. در اطاق بچه‌های دیگر هم پاسدارها مشغول صحبت شدند. چند نفرشان با یکی دو تا از دوستان ما اهل یک محل و آشنای دوران بچگی از آب درآمدند. اهل نازی آباد هستند. یکیشان بیک دوست ما اشاره کرد و گفت من و این از بچگی با هم بزرگ شدیم و توی یک پیاله غذا خوردیم. و بقیه بچه‌های محل را صدا کرد. پاسدارهای

و ما را به یک اطاق در طبقه دوم منتقل کردند. پس از یک ربع پاسداری آمد و عذر خواهی کرد و گفت می‌توانید بروید. ما با خوشحالی به راه افتادیم. دم در نگهبان تماس گرفت و پرسید که آیا اینها آزادند؟ یکی گفت نه بهیچوجه بر شان گردانید! دوباره ما را برگرداندند بالا. این بار همه ما را با هم در یک اطاق نگذاشتند. به نظر می‌رسید که ما را باین زودبها ول نمی‌کنند.

پس از یک ربع پنج نفر آمدند و نشستند روی یک تخت و سؤال و جواب شروع شد. بعد از پرسیدن اسم و غیره درباره اعلامیه و سازمان انقلابی و خط مشی سیاسی سازمان پرسیدند. مقداری توضیح دادم. وقتی درباره سه اصل خلق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی گفتیم. یکی از پاسدارها پرسید سه اصل خلق؟ کدام خلق. ما دو نوع خلق داریم. یکی خلقی که آقای خمینی پشتیبانیش می‌کند و یکی خلق ضد امریالیستی. گفتیم که من نمی‌دانم منظور چیست. بهر حال مقداری توضیح دادم که همه جنبش مردم و رهبر انقلاب ضد امریالیستی است. و درباره وحدت خلق در مبارزه ضد امریالیستی توضیح دادم و گفتم که چرا امروز دو ابر قدرت امریالیستی آمریکا و شوروی دشمنان عمده هستند. همان پاسداری که درباره خلق پرسیده بود پرید توی حرف و گفت پس چین چطور. شروع به توضیح در مورد استقلال کردم و همچنین لزوم عمده و غیر عمده کردن خارجی‌ها را توضیح می‌دادم که نمی‌گذاشت مسئله سفر هوا کوفنگ به ایران را گفت. گفتیم که ما مخالف آن

همان طوریکه در اعلامیه‌ای از طرف سازمان انقلابی به اطلاع رسید، تعدادی از طرفداران سازمان و اعضای سازمان جوانان انقلابی در روز شنبه ۱۷ شهریور در شهر سنندج در حال پخش اعلامیه بزرگداشت ۱۷ شهریور، دستگیر شدند. تعدادی از این دوستان در روز چهارشنبه ۲۱ شهریور آزاد شدند و دو نفر دیگر هنوز در زندان هستند. چند نفر از دوستانی که از زندان آزاد شدند، خاطرات و مشاهدات خود را از جریان دستگیری و زندان به صورت گزارشی برای ما نوشتند که حاوی نکات آموزنده‌ای است و ما بخشی از آن را از نظر شما می‌گذرانیم.

روشنه ۱۷ شهریور. با چند نفر قرار گذاشتیم که به خیابان برویم و مقداری هم از اعلامیه سازمان انقلابی را همراه ببریم و پخش کنیم. تازه شروع به دادن اعلامیه به مردم کرده بودیم که یک وانت بزرگ پر از پاسدار آژیر کشان ترمز کرد و گفت برادر تشریف بیاورید. ما اول متوجه نشدیم که فریاد زد با شما هستیم. رفتیم جلو گفتیم که این اعلامیه مربوط به ۱۷ شهریور است و یک اعلامیه را به پاسدار کنار راننده دادیم. با خشونت گفتند سوار شوید. تعجب کردیم و بهر حال سوار شدیم. پاسدارها غیر بومی بودند. اهل تهران و جاهای دیگر. بعضی راه افتادن وانت با پاسدارها درباره اعلامیه‌مان و خط مشی سازمان انقلابی شروع به صحبت کردیم.

در خیابان بعدی دوستان دیگر مان را هم سوار کردند. ما را به مقر سپاه پاسداران در باشگاه سابق افسران سنندج بردند. اعلامیه‌ها را در اطاق نگهبانی ضبط کردند

حمله‌ی روزنامه رسمی دولت شوروی به روحانیت ایران

شوروی پر است از آمار و ارقام در مورد گاز صادراتی ایران به شوروی و ساختن ذوب آهن جدید توسط روسیه و چگونگی شکوفائی اقتصاد ایران با انجام این پروژه‌ها.

در کنار این کار زار تبلیغاتی و پیشنهادات " کمک " مسافرت‌های هیئت نمایندگی در ایران به قم و مسافرت‌های هیئت نمایندگی کوبا به ایران و غیره انجام می‌شود تا احساسات تلخ مردم ایران نسبت به شوروی زدوده شود و راه برای نفوذ بیشتر شوروی در ایران باز گردد.

امریالیسم روس می‌خواهد با یک تیر دو نشان بزند، اول نفوذ اقتصادی خویش را در ایران گسترش داده و راه را برای رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس هموار کند و دوم با خنثی کردن احساسات پاک مردم ایران در دفاع و پشتیبانی از جنبش اسلامی افغانستان این جنبش را سرکوب کرده و با حفظ دولت نور محمد تره‌گی منافع خویش را حفظ نماید.

ولی فسخ شدن قرار داد لوله دوم گاز و کم توجهی مقامات دولتی به پیشنهادات روس‌ها و رشد همبستگی مردم ایران با جنبش اسلامی افغانستان و دفاع امام خمینی از آن در روز قدس، روس‌ها را متوجه می‌نماید که نفوذ در ایران و زدودن احساسات مردم چندان هم آسان نیست.

وقایع کردستان به روس‌ها این امکان را می‌دهد که با گسترده تر کردن شکاف بین بقیه در صفحه ۴

بالاخره نشریات و روزنامه‌های روسیه شوروی توطئه به اصطلاح دفاع از جمهوری اسلامی را رها کرده و در تبلیقات خود حمله به دولت و رهبری انقلاب را آغاز نموده و باین ترتیب چهره اصلی خود را نشان دادند. آلکساندر نوین یکی از برجسته ترین و معروفترین مفسرین حزب کمونیست و دولت روسیه در هفته نامه "ندیلیا" وابسته به روزنامه دولتی ایروسیتا (هفته دوم سپتامبر ۱۹۷۹) مستقیماً دولت و امام خمینی را مسئول " هرج و مرج اقتصادی"، " جنگ کردستان"، " اعدام کسانیکه خواهان خود مختاری و حقوق برابر هستند" و " بستن موسسات انتشاراتی" و غیره می‌داند.

علت این چرخش ناگهانی در تبلیقات روسیه درباره ایران چیست؟

پس از سرنگونی رژیم پهلوی که شکل حاکمیت سیاسی امریالیسم آمریکا در ایران بود امریالیسم روس فعالانه تلاش و کوشش خویش را آغاز می‌نماید تا جای خالی امریالیسم آمریکا را پر نماید. بدین جهت یک کارزار تبلیغاتی وسیع در به اصطلاح دفاع از جمهوری اسلامی و امام خمینی توسط روس‌ها بر راه می‌افتد. همراه با آن ماروارقائی چند در مورد مسائل اقتصادی ایران و پیشنهادات روسیه برای " کمک " به شکوفائی شدن اقتصاد ایران به دولت و رهبری انقلاب ارائه می‌شود. مثلاً " شماره ۱ ژوئن ۷۹ (۱۱ خرداد ۵۸)

روزنامه پر اودا ارگان حزب کمونیست

بقیه در صفحه ۶